

ایالات متحده _ آمار مشترک اقتصادی

نرخ تخفیف

نرخ بهره به موسسات واجد شرایط سپرده گذاری هنگامی که بودجه های کوتاه مدت از بانک فدرال ایالات متحده از طریق برنامه پنجره تخفیف می گیرند تعلق می گیرد. افزایش نرخ بهره معمولا منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود چرا که هنگامی که نرخ بهره افزایش می یابد سرمایه گذاران انتظار بازده بالاتری را دارند.

به منظور دسترسی به منابع مالی از طریق پنجره تخفیف ، وام گیرندگان باید وثیقه ای که ارزش آن از نظر بانک فدرال کافی تلقی شود را فراهم کنند. علیرغم این ضرورت ، برخی از ناظران، پنجره تخفیف را مشابه معادل یک "وام های اعتبار توسعه یافته " می دانند که فقط توسط موسسات سپرده گذاری که قادر به کسب منابع مالی کوتاه مدت از طریق راه های دیگر می باشند استفاده می شود. در حالی که این هدف پنجره تخفیف نمی باشد، با این وجود این اتهام بر آن می باشد و یک روند رو به رشدی در میان نهادهای مالی برای جلوگیری از استفاده از این برنامه وجود دارد.

از آنجاکه این یک نرخ بهره است که بانک فدرال تنظیم می کند، مهم است که به آن به عنوان یک بینش از برنامه های پولی کوتاه مدت بانک فدرال توجه ویژه داشته باشیم. برای مثال یک کاهش در نرخ تخفیف ، یک نشانه روشن است که بانک فدرال می خواهد نرخ بهره پایین باشد، در حالی که یک افزایش در نرخ تخفیف ، نشان دهنده این است که بانک فدرال می خواهد نرخ بهره بالا باشد.

به طور نمونه ، بانک مرکزی حفظ نرخ تخفیف را در ۵۰ تا ۱۰۰ امتیاز بالای نرخ هدف بودجه فدرال نگاه می دارد اما بسته به شرایط اقتصادی کنونی ، این اختلاف می تواند تغییر کند.

نرخ هدف وجوه فدرال

نرخ بهره ای که بانک فدرال از موسسات سپرده پذیر می خواهد تا دیگر موسسات را به قرض پول براساس معاملات شبانه ملزم کند. در حالی که بانک مرکزی به طور مستقیم نرخ وجوه فدرال شبانه را تنظیم نمی کند، این بانک از توانایی خود برای کنترل عرضه پول به منظور تاثیر گذاری روی این نرخ وام استفاده می کند. یک افزایش در نرخ بهره معمولا منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود چراکه سرمایه گذاران می توانند بازده بالاتری را هنگامی که نرخ بهره افزایش می یابد انتظار داشته باشند.

هنگامی که گزارشهای خبری بیان می کنند که بانک فدرال نرخ بهره را کاهش یا افزایش داده است، این نرخ هدف وجوه فدرال است که به آن مراجعه می کنند. پس از آن بانک مرکزی اقدام به تنظیم نرخ شبانه بودجه فدرال واقعی توسط مدیریت عرضه پول می کند که این امر از طریق عملیات بازار آزاد فدرال (FOMC) هدایت می شود.

یکی از راه هایی که بانک مرکزی می تواند عرضه پول را کنترل کند از طریق مقررات لازم برای تمامی موسسات مالی برای حفظ سپرده در یک بانک فدرال رزرو می باشد. این سپرده ها منابعی هستند که موسسات مالی از آن برای وام دهی شبانه بین خودشان برای مطابقت داشتن با الزامات فدرال رزرو استفاده می کنند . با این حال ، پول موجود در بانک مرکزی برای مقاصد بانکی دیگر قابل استفاده نمی باشد. این بدین معناست که هنگامی که بودجه در سپرده های بانک مرکزی گذاشته می شود آنها به طور موثر از سیستم بانکی برداشت می شوند.

این، بانک فدرال را قادر می سازد تا سیاست های پولی خود را سختگیرانه تر کند و به سادگی با افزایش مقدار ذخیره، باعث فشار رو به بالا بروی نرخ بهره شود. به عبارت دیگر، اگر بانک فدرال بخواهد نرخ وجوه فدرال افزایش یابد، افزایش ذخیره موجودی موسسات مالی، عرضه پول در سیستم بانکی ایالات متحده را کاهش داده و این منجر به افزایش تقاضا برای سرمایه می شود که همواره منجر به یک افزایش در نرخ وام شبانه است. سایر نرخهای بهره تجاری مانند نرخ اصلی نیز بر این اساس افزایش می یابند.

در مقابل، بانک مرکزی می تواند سیاست های پولی را از طریق کاهش مقدار ذخیره تسهیل کند که موجب افزایش نقدینگی در سیستم بانکی می شود.

نرخ اصلی

نرخ که مشتریان مقدم موسسات وام دهنده باید پرداخت کنند. از آنجا که این مشتریان حداقل ریسک را عرضه می کنند، وام دهندگان می توانند بهترین نرخ بهره را به آنها ارائه دهند. افزایش نرخ بهره معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود چراکه سرمایه گذاران می توانند بازده بالاتری را وقتی نرخ بهره افزایش می یابد انتظار داشته باشند.

نرخ اصلی در پاسخ به تغییرات در نرخ وجوه فدرال (نرخ که در آن بانک ها وجوهی را به هم قرض می دهند) نوسان می کنند و به طور معمول ۳ درصد امتیاز بالاتر از نرخ اعتبارات فدرال می باشد. نرخ اصلی یک نرخ تجاری است که بانکها آنرا برای عموم تبلیغ می کنند و سایر نرخهای بهره از قبیل وام های مسکن و وام خودرو بر اساس نرخ اصلی هستند و اغلب به عنوان "نرخ اصلی مازاد" یک درصد معین می باشد. از آنجا که این نرخها برای مشتریان تجاری تبلیغ می شود، بانک های بزرگ به طور معمول نرخهای بسیار شبیه ای را به منظور حفظ توان رقابتی ارائه می دهند.

اسپرد TED

تفاوت بین نرخ بهره صورت حساب خزانه داری ۳ ماهه و نرخ ۳ ماه LIBOR را نشان می دهد.

صورت حساب خزانه داری (T-bills) به صورت یک بدهی کوتاه مدت می باشد که توسط دولت ایالات متحده پشتیبانی می شود. در مورد صورت حساب خزانه داری ۳ ماه، دولت آمریکا موظف است تا مقدار کامل قیمت اصلی (اصل) را همراه با بهره به دست آمده در نرخ بهره (بازده) بازپرداخت کند. نرخ LIBOR-یانرخی پیشنهادی بین بانکهای لندن -- نرخپرهیپیشنهادشده رویوام های نا مطمئن معامله شده از طریق بازار بین بانکی لندن می باشد و یک معیار از نرخ بهره مورد استفاده برای تعیین میزان نرخ تجاری می باشد.

در اصل، اسپرد TED اختلاف بین صورت حسابهای خزانه داری ۳ ماه قراردادهای فیوچرز و ۳ ماه فیوچرز یورو دلار می باشد و این علت نامگذاری این شاخص با حرف "T" به نمایندگی از صورت حسابهای خزانه داری و "ED" یورو دلار می باشد. هنگامی که بازار بورس شیکاگو معاملات آتی یورو دلار را متوقف کرد، این شاخص برای اندازه گیری اسپرد بین صورت حسابهای خزانه داری و نرخ LIBOR تغییر یافت.

ارزش اسپرد TED به عنوان یک شاخص اقتصادی، در تائیری که با توجه به سطح ریسک اعتباری در اقتصاد ایجاد می کند، نهفته است. صورت حسابهای خزانه داری (T-Bills) _ از آنجا که توسط دولت ایالات متحده حمایت می شود به عنوان نزدیکترین ابزار بدون ریسک ممکن در نظر گرفته می شود _ با ریسک اعتباری مرتبط با بانک های تجاری که با نرخ LIBOR نشان داده می شوند متفاوت می باشد. وقتی که اسپرد افزایش پیدا می کند، نشانه ای است از این که وام دهندگان احساس می کنند که خطر عدم پرداخت قرض ها که از طریق

وام های بازار بین بانکی ایجاد شده است در حال افزایش می باشد و این بر اساس این فرض است که هنگامی که وام دهندگان احساس می کنند خطر بزرگتری وجود دارد بازده بیشتری را طالب هستند.

شاخص قیمت مسکن (HPI)

شاخص قیمت مسکن ایالات متحده (HPI) یک گزارش سه ماهه است که نشان دهنده تغییرات قیمت برای دارای های تک خانواده می باشد که در طول دوره گزارش یا دوباره فروخته شده باشد یا ادغام کردن این اطلاعات در یک گزارش واحد شاخص قیمت مسکن ایالات متحده (HPI) ارزیابی از قیمت کنونی خانه و روند قیمت ممکن و ارزش اموال را ارائه می دهد.

دفتر تصدی نظارت مسکن فدرال ایالات متحده (OFHEO)، شاخص قیمت مسکن ایالات متحده (HPI) را برای تمامی خانه های شخصی فروخته شده و یا دوباره معامله شده و رهن شده از طریق FreddieMac یا Fannie Mae را تولید و چاپ می کند. بوسیله ثبت مدارکی که به سال ۱۹۷۵ بر می گردد، شاخص قیمت مسکن ایالات متحده (HPI) مروری بر تغییرات قیمت خانه در سراسر هر منطقه در ایالات متحده را ارائه می دهد.

مخارج مصرف شخصی (PCE)

مخارج مصرف شخصی (PCE) که توسط دفتر فعالیت های اقتصادی جمع آوری می شود، یک شاخص ترسیم تغییر در هزینه های خانوار از جمله خدمات ، کالاهای بادوام و غیر بادوام می باشد. این آمار بخشی از اطلاعات کلی جمع آوری شده برای محاسبه تولید ناخالص داخلی (GDP) کل کشور می باشد.

یک افزایش در PCE _ بسیار شبیه به افزایش در تولید ناخالص داخلی _ نشان دهنده اقتصاد رو به رشد می باشد. همانطور که اقتصاد یک کشور رشد می کند ، به طور معمول به یک افزایش تقاضا برای ارز کشور منجر می شود چرا که سرمایه گذاران ارز بیشتری را از کشور های با قابلیت بالا در قیمت اقتصادهای ضعیف تر خریداری می کنند.

در نگاه اول ، ممکن است به نظر برسد شاخص مخارج مصرف شخصی همان اطلاعات شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) را ارائه می دهد _ در حقیقت هر دو بوسیله دفتر فعالیت های اقتصادی محاسبه می شوند و هر دو دیدی نسبت به هزینه های مصرف کننده را ارائه می دهند _ اما تمایز مهمی میان این دو وجود دارد. به طور کلی PCE تغییرات در هزینه های خانوار را تعیین می کند، در حالی که شاخص تورم مصرف کننده _ که به طور خاص برای اندازه گیری اثرات تورم مورد استفاده قرار می گیرد _ شاخصی را بر اساس تعریف سبد کالا تولید می کند. این شاخص تفاوت در هزینه های این سبد کالا می باشد که وقتی از دوره ای به دوره دیگر مقایسه می شود، اثر تورم روی قدرت خرید خانوار را نشان می دهد.

متوسط دستمزدهای ساعتی

گزارش ماهانه می باشد که جزئیات نشر ایطکارگران غیر کشاورز را که دستمزدها تعیین می کنند نشان می دهد. این داده ها شامل تعداد یک کارگران، ساعت کار، و حقوق کل می باشد.

دستمزد ساعتی متوسط یک مقیاس مهم می باشد چرا که وضوح بیشتری را در سطح اشتغال ایالات متحده و هزینه های کارگران فراهم می کند. هر ماه دفتر آمار کار، ۱۵۰،۰۰۰ کسب و کار و سازمان های دولتی را بررسی می کند و یک گزارش دستمزد ساعتی را ۱ هفته پس از پایان ماه تولید می کند.

مانند سایر گزارشات کارگری، یک کاهش در تعداد افراد شاغل و یا کاهش در درآمدهای کلی به عنوان یک شاخص منفی اقتصادی دیده می شود و این به طور معمول به تقاضای کمتری برای کالاها و خدمات منجر می شود. این تقاضا پایین تر ممکن است زیان های شغلی بیشتری را باعث شود چرا که کارفرمایان با کاهش تقاضا برای محصولات خود سروکار دارند و بنابراین به بدتر شدن وضعیت فرصت های شغلی دامن می زنند.

به این واقعیت کارگران شاغلی که نسبت به ادامه شغل خود خوشبین نیستند، و تمایل به کاهش هزینه های خود به منظور افزایش پس انداز برای از دست دادن شغل خود دارند را نیز اضافه کنید. این رفتار هزینه های مصرف کننده را بیشتر کاهش می دهد و می تواند باعث اخراج کارگران بیشتری شود.

بازده اوراق قرضه

میانگین بازده در بازار ثانویه برای اوراق قرضه خزانه داری می باشد. اوراق قرضه ۳۰ ساله -کپیهای ناو اوراق قرضه بلندمدت یا به اختصار-T-bond گفته می شود-- دارای طولانی ترین سر رسید در بین سایر اوراق قرضه خزانه داری دولت آمریکا می باشد.

بازار ثانویه اوراق قرضه، خرید و فروش اوراق قرضه قبل از تاریخ سر رسید آنها را تسهیل می کند. سفته بازان شرکت کننده در این بازار با این ریسک مواجه هستند که ارزش آینده اوراق قرضه تحت تاثیر تغییرات نرخ بهره که شایع ترین عامل تاثیر گذار می باشد قرار گیرد. وقتی که نرخ بهره افزایش می یابد، اوراق قرضه جدید بازده بالاتری را به منظور رقابت با سایر گزینه های سرمایه گذاری پرداخت می کنند. این بدان معنی است که اوراق قرضه صادر شده قبل از افزایش نرخ بهره و پرداخت بازده پایینتر از اوراق قرضه صادر شده جدید، در حال حاضر ارزش کمتری نسبت به اوراق قرضه جدید دارند. این حقیقت در قیمت اوراق بهادار در حال معامله منعکس می شود. از آنجا که اوراق قرضه و نرخ بهره رابطه معکوسی دارند، دلالت اوراق قرضه توجه بسیار زیادی به تغییر در نرخ بهره دارند.

منحنی بازده

این منحنی، بازده ابزار درآمد ثابت گوناگون را نشان می دهد. شکل منحنی رابطه بین بازده مورد انتظار و زمان سر رسید را نشان می دهد. در ایالات متحده، منحنی بازده خزانه داری نرخ بهره پایه استاندارد می باشد و سایر اوراق قرضه داخلی در رابطه با این اوراق که توسط دولت صادر می شود افزایش یا کاهش پیدا می کنند.

بازده اوراق قرضه در درجه بالاتر بر پایه مدت زمان اوراق قرضه (یعنی بر اساس زمان سر رسید) و همچنین اعتبار صادر کننده آن می باشد. به منظور جذب سرمایه گذاران، صادرکنندگان اوراق قرضه غیر دولتی باید بازده بالاتری را پیشنهاد دهند چرا که این اوراق ریسک بیشتری نسبت به اوراق قرضه با پشتوانه دولتی دارند و سرمایه گذاران انتظار نوعی حق بیمه در ازای پذیرش این ریسک اضافی را دارند.

همچنین اوراق قرضه بلند مدت در معرض خطر از دست دادن ارزش خود از طریق کاهش اسپرد نقدینگی هستند. این اصطلاح اشاره به اختلاف بین بازده و نرخ بهره کوتاه مدت دارد. همانطور که نرخ بهره افزایش پیدا می کند، بازده یک اوراق قرضه ارزش کمتری پیدا می کند چرا که به اندازه کافی بالا نمی باشد که نرخ بهره در حال افزایش را جبران کند، که موجب کاهش ارزش واقعی بازده میشود. اگر نرخ بهره کوتاه مدت تا بالای منحنی بازده افزایش پیدا کند، در واقع سرمایه گذار دارای یک اسپرد نقدینگی منفی هستند.

منحنی بازده نرمال

اصطلاح منحنی بازده "نرمال" منحنی می باشد که به صورت مقعر به سمت بالا می باشد. این نشان دهنده افزایش بازده (محور طولی) بر حسب افزایش زمان سرسید (محور عرضی) می باشد. این مطابق نظریه APT است که می گوید هرچه قدر مدت سر رسید طولانی تر باشد، بازده افزایش می یابد. این رویکرد باعث تشویق سرمایه گذارانی که مایل به نگاه داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطراتی که پیشتر گفته شد، می باشند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساساً بازده برای تمامی سر رسیده ها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای دراز مدت پابرجا باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت یا کارگران درگیر یا مالکیت شرکت های تولید کالا برای محاسبه تولید ناخالص داخلی استفاده می شود - به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای یک کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه میشود. این نمودار در صد تغییرات در تولید ناخالص داخلی را از سه ماهه قبل را نشان می دهد.

افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان میدهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود.

با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامی که ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این مقداری می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان قادر می سازد که تعیین کنند که آیا اقتصاد در یک بازه زمانی افزایش داشته است یا کاهش یافته است. تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند، معمولاً به عنوان میزان تولید ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

حقوق غیر کشاورزی

گزارش حقوق غیر کشاورزی (NFP) یکی از ارزیابی های مختلف از روند اشتغال ارائه شده توسط دفتر آمار کار ایالات متحده است. ارقام اشتغال قوی نشانه ای از یک اقتصاد قوی می باشد و این معمولاً به ادامه تقاضا برای دلار منجر می شود.

حقوق غیر کشاورزی شامل کارگرانی که به طور فعال در ایالات متحده شاغل هستند به غیر از افراد زیر می باشد :

■ افراد شاغل در مزارع و خانه های خصوصی

■ افراد شاغل در سازمان های غیر انتفاعی

■ کارکنان دولت

به عنوان یک شاخص اقتصادی، تمام گزارشات کار به طور بسیار دقیقی توسط سرمایه گذاران دنبال می شود. با حذف آمار اشتغال کشاورزی، اشتغال بدون سود، و اشتغال دولتی، گزارش حقوق غیر کشاورزی بر بخش تولید کارخانه ای و ساخت و ساز تولید کالاهای بادوام متمرکز می باشد. این نشان دهنده ۷۵ -- ۸۰ درصد از نیروی کار ایالات متحده می باشد و باعث می شود شاخص حقوق غیر کشاورزی (NFP) مقیاس کلیدی از اشتغال باشد.

علاوه بر ارائه یک تعداد از کارگرانی که در حال حاضر شاغل هستند، شاخص حقوق غیر کشاورزی (NFP) برآوردی متوسط از تعداد ساعات کار و میانگین درآمد ساعتی و هفتگی را برای همه کارکنان غیر کشاورزی ارائه می دهد.

نرخ اشتغال

گزارش ماهانه اداره آمار کار ایالات متحده با جزئیات که بر اساس اطلاعات یک نظرسنجی از حدود ۱۵۰,۰۰۰ کسب و کار مختلف و آژانس های دولتی تولید می شود. نتایج شامل افراد شاغل، ساعات کار و درآمد آنها می شود.

از آنجاکه فقدان شغل معمولاً توسط کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات ایجاد می شود، افزایش بیکاری به عنوان یک شاخص منفی دیده می شود. تاثیر واضح افزایش بیکاری، کاهش هزینه های مصرف کننده می باشد چراکه مزایای بیکاری دستمزد کارگران را به طور کامل پوشش نمی دهد و بنابراین واکنش فوری خانواده های آسیب دیده، کاهش در هزینه ها می باشد.

به این موضوع این واقعیت را نیز اضافه کنید که کارگرانی که در حال حاضر شاغل هستند اما احساس آسیب پذیری نسبت به ادامه شغل خود دارند، به طور معمول هزینه ها خود را به منظور افزایش پس انداز برای زمان از دست دادن شغل کاهش می دهند. این عمل هزینه های مصرف کننده را بیشتر کاهش می دهد و در واقع می تواند موجب تحریک درآخراج کارکنان شود.

نرخ بیکاری

نرخ بیکاری توسط دفتر آمار کار ایالات متحده منتشر می شود و درصد کارگران واجد شرایط که در حال حاضر شاغل نیستند و به طور جدی به دنبال کار هستند را محاسبه می کند. افزایش بیکاری یک نشانه منفی برجسته شدن احتمال کاهش هزینه های مصرف کننده می باشد. یک دوره طولانی مدت از بیکاری رو به افزایش ممکن است به رکود اقتصادی منجر شود.

آمارها از قبیل درآمد متوسط و تعداد مشاغل جدید ایجاد شده در طول دوره در این گزارش لحاظ می شوند و این به تحلیلگران کمک می کند تا تعیین کنند که آیا یک روند در حال توسعه است. این نتایج همچنین در بخش صنعت ارائه می شود بنابراین، این امکان وجود دارد که ارزیابی از مناطقی مانند تولیدات کارخانه ای و استخراج از معادن در مقایسه با میانگین ملی داشته باشیم.

مدعیان اولیه بیمه بیکاری

تعداد مدعیان جدید ثبت شده توسط مردم برای دریافت مزایای بیکاری می باشد. این آمار بازخورد بسیار مستقیمی را بر تعداد افرادی که تازه بیکار شده اند ارائه می دهد.

وقتی مدعیان اولیه -یا به عبارتی مردمیکه برابا اولین بارخواستارمزایایبیکاریشدهاند -- افزایش میابند، این نشان بسیار قوی از تضعیف اقتصاد می باشد. اگر تعداد متقاضیان اولیه در مقایسه با دوره قبلی کاهش پیدا کنند، این نشان می دهد که اقتصاد در حال ایجاد مشاغل بیشتری می باشد که همچنین نشان دهنده این است که اقتصاد در حال رشد می باشد.

ارقام اشتغال توسط سرمایه گذاران از نزدیک دنبال می شوند. یک اقتصاد در حال گسترش تقاضای بیشتری را برای ارزش کشور ایجاد می کند و این اغلب منجر به افزایش ارزش ارز می شود.

شروع مسکن سازی

گزارش شروع مسکن سازی تعداد خانه های خصوصی تازه ای را نشان می دهد که شروع به ساخت و ساز آنها در طول دوره گزارش دهی آغاز شده است. گزارش شروع مسکن سازی به عنوان یکی از شاخص های دقیق سلامت کلی اقتصاد شناخته می شود و همچنین اطلاعات زیادی در مورد سطح ضریب اطمینان عمومی برای آینده اقتصادی خودشان را ارائه می دهد.

خانه های جدید به احتمال زیاد بزرگترین سرمایه گذاری افراد خواهد بود ، و اکثر خریداران خانه جدید نیاز به وامهای بلند مدت به منظور خرید خانه های خود دارند. اگر شاخص شروع مسکن سازی در حال افزایش باشد ، این نشانه ای مطمئن است که پول کافی در

نظام مالی برای بودجه طرحهای توسعه جدید وجود دارد. همچنین نشان می دهد که مردم ضریب اطمینان لازم برای دریافت وام های مسکن دارند چراکه آنها احساس میکنند که قادر به حفظ پرداخت مورد نیاز هستند.

از طرف دیگر، اگر شاخص شروع مسکن سازی کاهش داشته باشد، نشان دهنده کاهش تقاضا برای خانه های جدید می باشد و این معمولاً به عنوان یک نشانه -- یا تایید -- کاهش رشد اقتصادی تفسیر می شود. صنعت مسکن یکی از بزرگترین کارفرمایان مستقیم کشور می باشد و همچنین از بسیاری از صنایع که به فروش خانه ها برای رونق کسب و کار شان احتیاج دارند پشتیبانی می کند. بنابراین همیشه نگرانی در مورد افت شاخص شروع مسکن سازی وجود دارد.

خرده فروشی

بازخورد هزینه های مصرف کننده را ارائه می دهد و یکی از اولین گزارشهای فروش موجود در هر ماه می باشد. تنها به طور انحصاری هزینه کالاهای مصرفی را دنبال می کند و شامل هزینه های خدمات از قبیل مراقبت های بهداشتی و آموزش و پرورش نمی شود. افزایش شاخص خرده فروشی دارای اثر مثبت بر روی ارز می باشد چراکه رشد اقتصاد کشور را نشان می دهد.

گزارش خرده فروشی بدون در نظر گرفتن نرخ تورم منتشر می شود ، بنابراین برای دریافت اندازه درست تغییر واقعی هزینه های خرده فروشی ، شما باید نرخ تورم را نیز در نظر بگیرید. تغییرات قابل ملاحظه در گزارش خرده فروشی حتی پس از انتشار آن غیر معمول نمی باشد چراکه تدوین اطلاعات دقیق و کامل داده های خرده فروشی می تواند بسیار دشوار باشد.

شاخص خرده فروشی اصلی

گزارش خرده فروشی اصلی همان اطلاعات گزارش خرده فروشی را ارائه می دهد، اما عمدهً شامل هزینه های مربوط به وسایل نقلیه از جمله فروش اتومبیل های جدید و خرید بنزین نمی شود. افزایش میزان خرده فروشی اصلی دارای یک اثر مثبت روی دلار می باشد و رشد اقتصادی را نشان می دهد.

گزارش خرده فروشی بدون در نظر گرفتن نرخ تورم منتشر می شود ، بنابراین برای دریافت اندازه درست تغییر واقعی هزینه های خرده فروشی ، شما باید نرخ تورم را نیز در نظر بگیرید. تغییرات قابل ملاحظه در گزارش خرده فروشی حتی پس از انتشار آن غیر معمول نمی باشد چراکه تدوین اطلاعات دقیق و کامل داده های خرده فروشی می تواند بسیار دشوار باشد.

شاخص تورم مصرف کننده (CPI) به عنوان یکی از موثر ترین شاخص ها برای نشان دادن وضعیت فعلی تورم در اقتصاد می باشد. اگر اقتصاد در حال رشد باشد تورم اجتناب ناپذیر است ، اما نرخ تورم بیش از ۲ درصد به طور کلی مخرب می باشد چراکه نشان دهنده تضعیف قدرت خرید دلار می باشد. هنگامی که تورم بالا باعث نگرانی می شود، سرمایه گذاران ارز را به منظور جستجوی سایر گزینه های سرمایه گذاری رها می کنند بنابراین باعث کاهش تقاضا برای دلار در بازار ارز می شوند.

شاخص تورم مصرف کننده (CPI) یک تجزیه و تحلیل از سطح مخارج مصرف کننده برای خرید یک مجموعه از سبد کالاها و خدمات می باشد و بر اساس مقدار شاخص شروع از ۱۰۰ ارزیابی می شود. اگر شاخص تورم مصرف کننده برای دوره جاری ۱۱۲ باشد ، نشان دهنده این است که در حال حاضر برای خرید سبد کالا ۱۲ درصد بیشتر از زمانی که شاخص ۱۰۰ بود باید پرداخت شود. با مقایسه داده های ماهانه شاخص تورم مصرف کننده ، شما به آسانی می توانید تغییرات در قدرت خرید مصرف کننده از ماهی به ماه دیگر را تشخیص دهید.

شاخص تورم مصرف کننده اصلی

شاخص تورم مصرف کننده اصلی درست مشابه شاخص تورم مصرف کننده محاسبه می شود، اما اقلام با نوسانات بالا -- مانند انرژی و مواد غذایی -- را در محاسبه لحاظ نمی کنند. از آنجا که این محصول نسبت به نوسانات قیمت به طور چشمگیری آسیب پذیر هستند، می توانند به یک انحراف در محاسبه شاخص تورم مصرف کننده منجر شوند. به همین دلیل، شاخص تورم مصرف کننده اصلی در اندازه گیری دقیق تر تورم لحاظ می شود.

شاخص قیمت تولید کننده (PPI) تغییر در قیمت هایی را که تولید کننده برای محصولات خود ماه به ماه دریافت می کند را تعیین می کند. یک شاخص قیمت تولید کننده (PPI) در حال افزایش به عنوان یک شاخص رشد مثبت دیده می شود که اغلب به تقاضای بالاتری برای دلار منجر می شود.

همانند شاخص قیمت فروش، شاخص قیمت تولید کننده (PPI)، شاخص قیمت جاری را با یک مقدار پایه به ارزش ۱۰۰ مقایسه می کند - این بدان معنی است که مقدار شاخص قیمت تولید کننده (PPI) ۱۱۵، ۱۵ درصد بالاتر از مقدار پایه اصلی است. داده ها با استفاده از نظرسنجی های بخش های مختلف از جمله تولید، کشاورزی، معدن و خدمات شهری تعیین می شوند.

افزایش شاخص قیمت تولید کننده (PPI)، افزایش ظرفیت مصرف کنندگان برای خرید کالا را نشان می دهد. بنابراین، افزایش شاخص قیمت تولید کننده (PPI) در یک تورم و سطح رشد قابل قبول، نشان دهنده توسعه سالم اقتصادی می باشد و این امر منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود. تولید کنندگان همچنان می توانند اهداف فروش و تولید را دنبال کنند و این نشان دهنده ادامه دار بودن سطوح اشتغال می باشد. با این حال، افزایش شاخص قیمت تولید کننده (PPI) که بیش از سطح رشد قابل قبول باشد می تواند نشانه ای از رخنه کردن تورم در اقتصاد باشد.

شاخص قیمت تولید کننده (PPI) اصلی بر اساس شاخص قیمت تولید کننده می باشد ولی اقلام پر نوسان نظیر انرژی و مواد غذایی را که می تواند ارقام PPI را دچار تحریف کند را شامل نمی شود. همچنین باید توجه داشته باشید که گزارش شاخص قیمت تولید کننده اولین گزارش اندازه گیری تورم قابل دسترس در هر ماه می باشد، بنابراین، این شاخص معمولاً به طور موشکافانه ای دنبال می شود چراکه سرمایه گذاران به دنبال نشانه های فشار تورمی هستند که می تواند باعث تغییر نرخ بهره شود.

شاخص قیمت مصرف کننده سالانه نسبی - تأثیر بالا

شاخص تورم مصرف کننده (CPI) به عنوان یکی از موثرترین شاخص ها برای نشان دادن وضعیت فعلی تورم در اقتصاد می باشد. اگر اقتصاد در حال رشد باشد تورم اجتناب ناپذیر است، اما نرخ تورم بیش از ۲ درصد به طور کلی مخرب می باشد چراکه نشان دهنده تضعیف قدرت خرید دلار می باشد. هنگامی که تورم بالا باعث نگرانی می شود، سرمایه گذاران ارزش را به منظور جستجوی سایر گزینه های سرمایه گذاری رها می کنند بنابراین باعث کاهش تقاضا برای دلار در بازار ارز می شوند.

شاخص تورم مصرف کننده (CPI) یک تجزیه و تحلیل از سطح مخارج مصرف کننده برای خرید یک مجموعه از سبد کالاها و خدمات می باشد و بر اساس مقدار شاخص شروع از ۱۰۰ ارزیابی می شود. اگر شاخص تورم مصرف کننده برای دوره جاری ۱۱۲ باشد، نشان دهنده این است که در حال حاضر برای خرید سبد کالا ۱۲ درصد بیشتر از زمانی که شاخص ۱۰۰ بود باید پرداخت شود. با مقایسه داده های ماهانه شاخص تورم مصرف کننده، شما به آسانی می توانید تغییرات در قدرت خرید مصرف کننده از ماهی به ماه دیگر را تشخیص دهید.

شاخص تولیدات صنعتی (IPI)

شاخص تولیدات صنعتی (IPI) تغییرات ماهانه در تولید برای بخش های عمده صنعتی را نشان می دهد و از ۱۰۰ بیان میشود. ۲۰۰۲ سال پایه جاری را نشان می دهد و یک شاخص کمتر از ۱۰۰ بدین معنی می باشد که شاخص تولیدات صنعتی (IPI) کمتر از بازه زمانی پایه اصلی می باشند، در حالیکه یک شاخص بالاتر از ۱۰۰ نشان دهنده رشد می باشد.

شاخص تولیدات صنعتی (IPI) هر ماه توسط **فدرال رزرو** منتشر می شود و به عنوان اندازه گیری ظرفیت نرخ بهره برداری در تولیدات کارخانه ای، معدن و بخشهای الکتریکی و گازی استفاده می شود. تولیدات کارخانه ای بیشترین اطلاعات ورودی این گزارش می باشد.

شاخص تولیدات صنعتی (IPI) بسیار همگام با چرخه کسب و کار می باشد و یک فشارسنج دقیق از اشتغال تولید، درآمد متوسط و درآمد شخصی در نظر گرفته شده است. افزایش ماه به ماه شاخص تولیدات صنعتی (IPI) نشان می دهد که شرکت ها در صنعت به خوبی عمل می کنند و این بازار را تحت تأثیر قرار می دهد. با این حال، از آنجاکه شاخص تولیدات صنعتی (IPI) تنها جنبه های محدودی از اقتصاد را پوشش می دهد، آن را به عنوان یک شاخص با تأثیر بالا نمی شناسند.

شاخص خرید مدیران (PMI)، بخشی از گزارش موسسه مدیریت عرضه (ISM) می باشد و از یک مقیاس پایه ۵۰ برای نشان دادن تغییرات در رشد صنعت تولیدات کارخانه ای استفاده می کند. یک شاخص کمتر از ۵۰ به معنای صنعت در حال انقباض از دوره پایه اصلی می باشد، در حالی که یک شاخص بیش از ۵۰، نشان دهنده رشد اقتصادی است. نتایج در جهت به حساب آوردن تغییرات فصلی در صنعت تنظیم می شوند.

موسسه مدیریت عرضه (ISM) به عنوان دقیق ترین معیار تولید کارخانه کلی در نظر گرفته می شود _ اطلاعات در مورد سفارشات جدید به طور ویژه یک روشنگری می باشد چراکه فعالیتهای تولیدی برای بازه زمانی آینده را برجسته می کند. در حالی که به اندازه شاخص تورم مصرف کننده برای تشخیص تورم، مفید نمی باشد اما موسسه مدیریت عرضه (ISM) هنوز هم به عنوان یکی از شاخص های کلیدی فشارهای ناشی از تورم در اقتصاد در نظر گرفته می شود. به همین دلایل، این گزارش بسیار مورد انتظار می باشد.

تراز تجاری

گزارش تراز تجاری ارزش کل واردات و ارزش کل صادرات برای دوره گزارش را مقایسه می کند. مقدار منفی نشان می دهد که کالاهای بیشتر صادر شده اند تا وارد (کسری تجاری) -- برعکس، تراز تجاری مثبت بدان معنی است که صادرات بیشتر از واردات (مازاد تجاری) بوده است. این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز برای تعیین میزان تقاضا برای دلار استفاده می شود.

در مورد مازاد تجاری و یا یک کسری تجاری در حال کاهش از ماه قبل، به طور طبیعی کشورهای وارد کننده کالا باید ارز خود را به ارز داخلی کشور صادرشونده تبدیل کنند. این منجر به افزایش تقاضا برای پول داخلی و بنابراین موجب افزایش ارزش آن می شود.

در مورد کسری تجاری و یا یک مازاد تجاری در حال کاهش، کشور وارد کننده باید ارز خود را به ارز خارجی کشوری که از آنها در حال خرید کالا هستند تبدیل کنند. این منجر به افزایش عرضه پول داخلی در بازار فارکس که می تواند به از دست دادن پول داخلی در مقابل ارزش ارزهای دیگر شود.

حساب جاری نشان می دهد کل جریان سرمایه جدید به یک کشور است. این شاخص به عنوان تراز تجاری کل (صادرات منهای واردات) ، به علاوه پرداخت خالص درآمد (بهره و سود سهام) ، به علاوه تمامی انتقالات یک سویه (کمک خارجی ، مالیات و هدایای یک طرفه) محاسبه می شود.

اگر عدد به دست آمده مثبت باشد ، یک مازاد حساب جاری نشان می دهد ؛ و یک مقدار منفی کسری حساب جاری را بیان می کند. توجه داشته باشید که کسری بودجه نشان می دهد که از طریق صادرات و سایر نقل و انتقالات سرمایه بیشتری از کشور خارج شده است تا به کشور وارد شود.

سیستم سرمایه بین المللی خزانه داری

این گزارش هر ماه ایجاد می شود و نشان دهنده اختلاف میان اوراق بهادار بلند مدت خریداری شده توسط سرمایه گذاران ایالات متحده ، و اوراق بهادار بلند مدت ایالات متحده خریداری شده توسط سرمایه گذاران خارجی می باشد. هنگامی که مقدار سرمایه گذاری خارجی افزایش می یابد ، این امر منجر به افزایش تقاضا برای دلار آمریکا در بازار فارکس می شود.

معامله گران ارز توجه نزدیک به این مقیاس دارند از آنجاکه این گزارش روی الزامات تبدیل واحد پول فوری ایجاد بینش می کند. اگر میزان سرمایه گذاری خارجی به نظر در ایالات متحده در حال افزایش باشد، آنگاه این احتمال وجود دارد که تقاضا برای دلار آمریکا در بازار ارز نیز افزایش یابد.

گزارش سیستم سرمایه بین المللی خزانه داری یک بینش از ضریب اطمینان سرمایه گذاران در اقتصاد ایالات متحده را فراهم می کند. اگر دلارهای سرمایه گذاری شده از کشور خارج شوند، این نشانه روشنی از عدم اعتماد به نفس در سرمایه گذاری بلند مدت در اوراق بهادار ایالت متحده می باشد -- افزایش خالص ورود دلارهای سرمایه گذاری شده به ایالات متحده نشان دهنده سطح رو به رشد اعتماد به نفس می باشد.

ظرفیت پالایشگاه

گزارش ظرفیت پالایشگاه یکی از چندین گزارش در مورد استفاده از بنزین تولید شده توسط اداره اطلاعات انرژی و مصرف آن می باشد، که ظرفیتهای کلی هفتگی پالایشگاههای ایالت متحده را که می توانند نفت خام را به بنزین و سایر مصرف کننده نفتی تبدیل کنند را نشان می دهد.

گزارش ظرفیت پالایشگاه آلتی برای حفظ موجودی داخلی می باشد _ اگر کاهش سطوح موجودی منجر به کاهش عرضه شود، می توان انتظار داشت که قیمت انرژی افزایش یابد. افزایش هزینه های انرژی _ هر چیزی از بنزین برای خودروها تا سوخت حرارتی برای اجاق خانه ها _ می تواند باعث تورم شود که دولتها غالبا با کاهش نرخ بهره با آن مقابله می کنند. کاهش نرخ بهره باعث می شود دلار جاذبه خود را از دست دهد چراکه بازده سرمایه گذاری با کاهش نرخ بهره کاهش می یابد.

اوراق قرضه AAA شرکت مودی

Moody's AAA Corporate Bond یک اوراق قرضه سرمایه گذاری متشکل از تمامی صادرکنندگان اوراق قرضه هستند که توسط مودی با درجه AAA امتیاز بندی شده اند. این بالاترین امتیاز اختصاصی مودی هنگام ارزیابی اوراق قرضه شرکت ها و یا دولت می باشد.

مودی صادرکنندگان اوراق قرضه را با توجه به احتمال اینکه آنها قادر به داشتن شرایط الزامی بدهی اوراق قرضه رتبه بندی می کنند و رتبه " درجه سرمایه گذاری" را به عنوان بالاترین رده ، و به دنبال آن "درجه سوداگرانه" را بکار می برند. رتبه AAA بالاترین امتیازی می باشد که در رده کلاس درجه سرمایه گذاری وجود دارد.

شرکت مودی یک سرویس اعتباری بسیار مقبول بر اساس تحقیقات مستقل از شرکت های بزرگ با تخصص در ارزش گذاری اوراق قرضه صادر شده توسط شرکت های خصوصی می باشد. مودی همچنین اوراق قرضه صادر شده توسط دولت های شهری را ارزش گذاری می کند.

اوراق قرضه شرکتی AAA متشکل از سر رسید اوراق قرضه ۲۰ تا ۳۰ ساله می باشد. اوراق قرضه با سر رسید کمتر از ۲۰ سال _ یا آنهایی که تنزل رتبه پیدا کرده اند _ از این شاخص حذف می شوند و تحلیلگران اغلب مراقب تغییرات چیزهای لیست شده در اوراق قرضه می باشند و به آنهایی که کاهش درجه می شوند توجه می کنند. از آنجا که شرکت ها و حتی دولت ها می توانند خود را در حال دست و پا زدن در اقتصاد ضعیف بیابند، این اطلاعات می تواند دیدی را نسبت به سلامت کلی اقتصاد بدست دهد.

اوراق قرضه BAA شرکتی مودی

اوراق قرضه شرکتی مودی یک اوراق قرضه سرمایه گذاری متشکل از تمام شرکت هایی هستند که توسط مودی با BAA امتیاز بندی شده اند. BBB کمترین امتیاز در بین بالاترین درجات در رده " درجه سرمایه گذاری" می باشد. شرکت مودی یک سرویس اعتباری بسیار مقبول بر اساس تحقیقات مستقل از شرکت های بزرگ با تخصص در ارزش گذاری اوراق قرضه صادر شده توسط شرکت های خصوصی می باشد. مودی همچنین اوراق قرضه صادر شده توسط دولت های شهری را ارزش گذاری می کند.

مودی صادرکنندگان اوراق قرضه را با توجه به احتمال اینکه آنها قادر به داشتن شرایط الزامی بدهی اوراق قرضه رتبه بندی می کنند و رتبه " درجه سرمایه گذاری" را به عنوان بالاترین رده ، و به دنبال آن "درجه سوداگرانه" را بکار می برند. رتبه BBB پایین ترین امتیازی می باشد که در رده کلاس درجه سرمایه گذاری وجود دارد. و هر رتبه ای زیر این رتبه به درجه سوداگرانه یا اصطلاحاً "بی ارزش" تنزل پیدا می کند .

اروپا _ آمار مشترک اقتصادی

حداقل نرخ پیشنهاد برای خرید

نرخ که بانک مرکزی اروپا (ECB) از بانک های کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دلیل قرض گرفتن پول مطالبه می کند. حداقل نرخ پیشنهاد برای خرید یک ابزار مهم در سیاست های پولی بانک مرکزی اروپا می باشد و تغییر در این نرخ سایر نرخ بهره ها را در سیستم بانکی اتحادیه اروپا تحت تاثیر قرار می دهد. بانک مرکزی اروپا نرخ مینیمم پیشنهاد خرید را دو بار در ماه بازنگری می کند و تغییر در

نرخ می تواند در هر یک از جلساتی که هر دو هفته یکبار برگزار می شود اعلام گردد. هر گونه تغییر در این نرخ تاثیر مهمی روی ارزش یورو و سایر نرخهای بهره دارد.

کاهش در حداقل نرخ پیشنهاد خرید یک نشانه شفاف بوده از اینکه بانک مرکزی اروپا احساس کند که باید اقدامی جهت تقویت مخارجی که باعث ترقی اقتصاد می گردد انجام شود با کاهش هزینه پولی که به این روش قرض گرفته می شود، مؤسسات وام دهنده می توانند نرخهای وام تجاری را برای کسب و کار و مصرف کنندگان پایین تر آورند که هدف از آن تقویت اینگونه مخارج می باشد. با این حال، اگر بانک مرکزی اروپا بخواهد فشارهای تورم افزایش یابد بایستی حداقل نرخ پیشنهاد خرید را افزایش دهد. این عامل باعث می گردد تا هزینه های پول قرض گرفته شده افزایش یافته و صاحبان کسب و کار و مصرف کنندگان حقیقی اقدامات اصلی در مورد هزینه سرمایه را به امید اینکه در آینده نرخ های وام تسهیل می یابد را نیز به تاخیر اندازند.

بازارهای ارز در معرض تغییرات نرخ های بهره بوده و در این میان تصمیمات بانک مرکزی اروپا به سرعت روی یورو تاثیر می گذارد. همچنان که نرخ های بهره بالا می رود، تقاضا برای ارز یورو افزایش یافته زیرا سرمایه گذاران اطمینان بیشتری به عودت دادن یورو (فروش یورو) تا دیگر ارزها دارند. البته عکس این عمل هم صادق است یعنی وقتی نرخ های بهره کاهش می یابد در این حالت سرمایه گذاران تمایل کمتری برای نگهداری یورو داشته در نتیجه عرضه آن افزایش می یابد که این عامل خود نیز موجب می شود تا ارزش یورو کاهش یابد.

متوسط شاخص شبانه یورو

معروف به EONIA بوده و میانگین موزون نرخ بهره شبانه مطالبه شده برای وام های تضمین نشده که توسط سیستم وام دهی بانک شبانه اروپا نیز فراهم می گردد. می باشد. متوسط شاخص شبانه یورو همراه با نرخ پیشنهادی مبادله ارز در بازار بین بانکی اتحادیه اروپا. د مبنای اصلی نرخ بهره کوتاه مدت بوده که اکثر نرخ های بهره اروپا را از جمله نرخ های وام بازرگانی اعطا شده توسط موسسات پولی را تحت تاثیر قرار می دهد.

EONIA: نرخ است که بانکها بر اساس آن وام های شبانه به دیگر بانکها در سیستم بانکی اتحادیه اروپا اعطا می کنند. این بازار وام دهنده شبانه بانکهایی را که از لحاظ نقدینگی به طور موقت با کمبود مواجه هستند را متقاعد می کند تا از بانکهایی که در حال حاضر دارای مازاد نقدینگی می باشند، بتوانند به آسانی وام دریافت نمایند. این عمل هم برای وام گیرنده و هم برای وام دهنده سودمند می باشد چرا که وام گیرنده برای پرداخت مبلغ خرید و فروش در یک قیمت مشخص نیازی به اینکه دارایی های خود را به صورت نقد درآورد تا کمبود نقدینگی اش را جبران نماید، ندارد. از طرفی وام دهنده هم با این عمل فرصت خوبی برای دریافت بهره نقدینگی مازاد خود کسب کرده که در غیر اینصورت درآمد محسوسی نصیبش نمی شد.

نرخ پیشنهادی مبادله ارز در بازار بین بانکی اتحادیه اروپا

نرخ پیشنهادی مبادله ارز در بازار بین بانکی اتحادیه اروپا یا EURIBOR: نرخ متوسط برای سپرده های مدت دار بازار بین بانکی اتحادیه اروپا بوده که توسط بانکهای عضو اتحادیه اروپا به موسسات مالی دیگر در سیستم بانکی اروپا اعطا می گردد. نرخهای EURIBOR همچنین به عنوان یک نرخ مرجع برای قرارداد ها و یا معاملات نرخ بهره ثابت مخصوص به یورو محسوب می شود.

EURIBOR اولین بار در دسامبر ۱۹۹۹ توسط فدرال بانک اروپا معرفی شده و در واقع همان نرخ رایج برای معاملات بازار پول یورو در مقیاس وسیع می باشد. با در نظر گرفتن نرخ متوسط برای معاملات بزرگ که در بازار های پولی به وقوع می پیوندد، EURIBOR به عنوان یک نرخ مرجع برای نرخ های بهره تجاری بوده و یک شاخص بسیار مهم برای سرمایه گذاران می باشد. نرخ های

EURIBOR همچنین به عنوان یک مرجع برای قراردادهای نرخ بهره ثابت و یا معاملات پایا پای نرخ بهره می باشد. قرارداد نرخ بهره ثابت در واقع اوراق بهادار مالی ای هستند که بر اساس اوراق مشتقه بوده و در آن یک طرف (خریدار یا قرض گیرنده) توافق می کند تا یک نرخ بهره ثابت به دیگر طرف قرارداد (فروشنده یا قرض دهنده) پرداخت نماید. نرخ ثابت یک مقدار توافقی (طبق سرمایه اصلی که نزد فروشنده FRA نگه داشته شده است) نیز می باشد. در عوض این پول خریدار یک مقدار توافقی به عنوان سود از فروشنده FRA بسته به مدت زمانی که این پول دست فروشنده بوده و با حساب کردن نرخ مرجع شناور که در اینجا همان نرخ EURIBOR می باشد نیز دریافت می کند.

معاملات نرخ بهره به همین روش انجام می شوند و در واقع قراردادی است که به موجب آن طرفین توافق می کنند تا بهره متعلقه روی یک مقدار در نظر گرفته شده (سرمایه اصلی)، در عوض نرخ بهره ثابت برای یک دوره مشخص بپردازند. هر طرف از معامله به عنوان پایه (leg) به حساب می آید، که یکی از پایه ها محدود به عایدی بازار شناور می شود (از قبیل EURIBOR) در حالیکه پایه دیگر طبق همان نرخ که توافق شده است عمل می کند.

حداکثر نرخ وام

نرخ بهره مطالبه شده برای موسسات مالی که از سیستم بانکی اتحادیه اروپا پول قرض می گیرند، می باشد. بانکهای مرکزی داخلی منطقه اروپا معمولاً وام های شبانه و با کوتاه مدت برای بانکهای تجاری منطقه فراهم می کنند حداکثر نرخ وام اصلی ترین مبنای نرخ بهره در صنعت بانکداری سیستم اروپا می باشد زیرا آن در واقع نرخ مطالبه شده برای بانکهایی که پول نقد اضافی برای یک مدت کوتاه می خواهند نیز می باشد. بانک مرکزی اروپا از این نرخ برای تاثیرگذاری روی نرخ های بهره دیگر استفاده می کند. زیرا هرگونه تغییر در حداکثر نرخ وام موجب تنظیم نرخ های وام بازرگانی متناظر با آن می گردد.

نرخ سپرده

نرخ سپرده های نگهداری شده موسسات مالی توسط بانک ملی مرکزی در سیستم بانکداری اروپا می باشد و این یک نرخ مبنای مهمی است که بانک مرکزی می تواند با بالا و یا پایین آوردن آن نرخ های بازرگانی را تحت تاثیر قرار دهد. زمانیکه سرمایه گذاران و بازارهای ارز آمادگی کافی برای تغییر در نرخ های بهره را دارند نرخ های بهره تاثیر عمیقی روی نرخ های ارز می گذارند. همانطور که نرخ های بهره بالا می روند، به همان نسبت تقاضا برای ارز یورو هم بالا می رود زیرا سرمایه گذاران از عودت آن نسبت به دیگر ارز ها مطمئن می باشند و بر عکس این قضیه هم صادق است یعنی هنگامیکه نرخ های بهره کاهش می یابد در این حالت سرمایه گذاران تمایل دارند که سهام یو روی خود را کاهش دهند و مازاد عرضه در بازار از ارزش یورو می کاهش.

منحنی بازده EURIBOR : نرخ پیشنهادی بانک داخلی اروپا عبارت است از نرخ های بهره پیشنهاد شده روی وام های شبانه و بدون تضمین که بین بانکها بوده و در سیستم بانکداری اروپا رایج می باشد. این منحنی بازده نرخ های EURIBOR پیش بینی شده برای دوره های گوناگون را نشان می دهد و به طور وسیع جهت نرخ مرجع برای پیمانه های نرخ های آینده سلف به کار می رود. برای اولین بار در دسامبر ۱۹۹۹ توسط فدرال بانکی اروپا معرفی شد. EURIBOR نرخ رایج برای معاملات بازار پولی یورو به صورت گسترده می باشد. با در نظر گرفتن نرخ متوسط پیشنهاد شده برای معاملات عمده که در بازارهای پولی اتفاق می افتد، EUROBAR به عنوان نرخ مرجع برای نرخ های بهره بازرگانی قابل توجه سرمایه گذاران می باشد. نرخ های EUROBAR همچنین به عنوان مرجع برای پیمانه های نرخ سلف آینده و نرخ بهره وری در روشهای مشابه برای معاملات بر اساس نرخ بهره بین بانکی لندن می باشد. قرارداد نرخ سلف در آینده یک ابزار مالی بر اساس اوراق مشتقه می باشد، که در آن یک طرف (خریدار یا قرض گیرنده) موافقت می کند تا یک نرخ ثابت به طرف دیگر (فروشنده یا قرض دهنده) بپردازد. نرخ ثابت برای یک مقدار توافقی ویژه (همان سرمایه اصلی) می باشد که توسط فروشنده

FRA نگهداری می شود. در عوض پرداخت نرخ ثابت، خریدار درآمدهایی را بر حسب نرخ مرجع شناور بر پایه مقدار در نظر گرفته که در این حالت EUROBAR می باشد نیز دریافت می کند. تبادلات نرخ بهره به همین روش کنترل می شود. یک معامله معمولی در واقع یک پیمان یا قراردادی است که به موجب آن دو طرف روی بهره متعلقه با یکدیگر موافقت می کنند تا اینکه بخواهند روی نرخ بهره ثابت برای یک دوره مخصوص به توافق برسند. هر طرف از معامله به عنوان یک پایه (leg) به حساب می آید، که یکی از پایه ها محدود به عایدی بازار شناور می شود (از قبیل EURIBOR) در حالیکه پایه دیگر طبق همان نرخ که توافق شده است عمل می کند.

منحنی بازده

منحنی بازده، بازده ابزارهای درآمد ثابت را طرح ریزی می کند. شکل منحنی، رابطه بین بازده مورد انتظار و زمان سر رسید را نشان می دهد. در اتحادیه اروپا حداقل نرخ پیشنهاد خرید در واقع نرخ مرجع برای نرخهای بهره کوتاه مدت بوده و عایدی انتشارهای اوراق قرضه تغییرات این نرخ را منعکس می نماید. بازده اوراق قرضه بر اساس مدت زمان آن (یعنی زمان سر رسید) و همچنین اعتبار صادر کننده این اوراق می باشد. به منظور جذب سرمایه گذاران، صادرکنندگان اوراق قرضه غیر دولتی باید بازده بالاتری را پیشنهاد دهند چرا که این اوراق ریسک بیشتری نسبت به اوراق قرضه با پشتوانه دولتی دارند و سرمایه گذاران انتظار نوعی حق بیمه در ازای پذیرش این ریسک اضافی را دارند. همچنین اوراق قرضه بلند مدت در معرض خطر از دست دادن ارزش خود از طریق کاهش اسپرد نقدینگی هستند. این اصطلاح اشاره به اختلاف بین بازده و نرخ بهره کوتاه مدت دارد. همانطور که نرخ بهره افزایش پیدا می کند، بازده یک اوراق قرضه ارزش کمتری پیدا می کند چرا که به اندازه کافی بالا نمی باشد که نرخ بهره در حال افزایش را جبران کند. که موجب کاهش ارزش واقعی بازده می شود. اگر نرخ بهره کوتاه مدت تا بالای منحنی افزایش پیدا کند، در واقع سرمایه گذار دارای یک اسپرد نقدینگی منفی می باشد.

منحنی بازده عادی

اصطلاح منحنی بازده "عادی" به منحنی گفته می شود که به صورت مقعر به سمت بالا انحنا دارد و افزایش در بازده (محور افقی) وقتی زمان سر رسید (محور عمودی) افزایش می یابد، را نشان می دهد. این امر از نظریه APT پیروی می کند که بیان می کند که هرچه قدر زمان سر رسید طولانی تر باشد بازده بالاتر است. این امر سرمایه گذاران را به نگاه داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطرات که پیشتر گفته شد، ترغیب می کند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساسا بازده برای تمامی سر رسیده ها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدبینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد

نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای مدت پابر جا باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت یا کارگران درگیر یا مالکیت شرکت های تولید کالا برای محاسبه تولید ناخالص داخلی استفاده می شود. به طور خلاصه اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. این نمودار درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی را از سه ماهه قبل را نشان می دهد.

افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان می دهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامیکه ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج می شود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد چرا که کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیرزمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده به صورت زیر میزی یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامیکه ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این روشی می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان را قادر می سازد که تعیین کنند آیا اقتصاد در مقایسه با نتایج قبلی افزایش داشته است یا کاهش. ارقام تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند، معمولاً به عنوان میزان ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

نرخ بیکاری

درصد افرادی که آمادگی لازم برای انجام کار را داشته و در حال حاضر به دنبال آن هستند که استخدام شوند اما قادر نیستند که این موقعیت را فراهم کنند. براساس این گزارش، اصطلاح بیکار به اشخاصی که در طی دوره این بررسی، در سن کار بوده ولی هیچ گونه دستمزدی برای فعالیتهای خود چه به صورت شغل آزاد و چه به صورت دیگر نداشته اند، گفته می شود. همچنین باید در نظر داشت که این بررسی برای افرادی است که در جامعه حضور داشته و فعالانه به دنبال استخدام بوده اند منظور می شود. دانش آموزان و خانه داران هم اگر مانند دیگر افراد جامعه که به صورت تمام وقت مشغول به کار هستند و شامل شرایط گفته شده در

بالا می باشند ، در آن صورت شاغل محسوب می شوند در غیر اینصورت اگر فقط کاری را انجام می دهند که در مقابل دستمزدی دریافت کنند باز هم به عنوان بیکار محسوب می شوند.مثلا" اگر یک دانش آموزی که هم اکنون در سن کار می باشد ولی هنوز استخدام نشده است و در پی کار می باشد بیکار به حساب می آید. تاثیر آشکار افزایش بیکاری بر کاهش میزان هزینه مصرف کننده بر همه کس روشن است، چرا که کاهش در دستمزد باعث این رویداد می گردد.علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند.این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد.

تغییرات استخدام

به تغییرات متوالی در نرخ بیکاری در هر ۳ ماه گفته میشود.افزایش نرخ بیکاری یک شاخص منفی بوده که کاهش در میزان هزینه مصرف کننده را باعث می گردد.همچنین کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند بتوانند ازیس دوران بیکاری برب آیند.به همین دلایل میزان استخدام به عنوان یک شاخص اقتصادی مهم تلقی می گردد.

شاخص هزینه کار

گزارش شاخص سه ماهه که هزینه های متوسط کار ساعتی را اندازه گیری کرده و طبق یک نمونه کاری در اروپا می باشد را شامل می شود، که از قرار زیر میباشد : حقوق مستقیم کارمند به شکل دستمزد و کارمزد، مزایای کارمند که توسط کارفرما پرداخت می گردد،پاداشها یا کمک هزینه ها که معمولاً" به صورت یک دوره مشخص پرداخت نمی گردد.

خرده فروشی ها

در واقع باعث یک بازخورد روی میزان هزینه مصرف کننده شده و یکی از اولین گزارشهای فروش قابل دسترس به صورت ماهیانه می باشد.هزینه کالای مصرف کننده بدون در نظر گرفتن هزینه های خدمات از قبیل مراقبتهای بهداشتی و تعلیم و تربیت می باشد.افزایش در شاخص خرده فروشی تاثیر مثبت بر روی ارز دارد زیرا آن رشد اقتصاد کشور را باعث می شود. گزارش خرده فروشی بدون در نظر گرفتن تورم منتشر می شود،بنابراین اگر شما بخواهید یک آمار درست ازتغییرات هزینه خرده فروشی داشته باشید بایستی این عامل را هم لحاظ کنید.آن خیلی رایج است که گزارش فروش چندین بار مورد تجدید قرار گیرد حتی پس از آنکه منتشر می گردد.در واقع ارائه یک آمار گردآوری شده درست و کامل درباره اطلاعات خرده فروشی بسیار مشکل می باشد چراکه تعداد پخش کننده هایی که آن را عرضه می کنند هر کدام آمار جداگانه ای برای وارد کردن در گزارش ارائه می دهند.

تولید صنعتی

تولید صنعتی میزان تولید در ساخت، معدن، و صنایع انرژی را اندازه گیری می کند.افزایش آن نسبت به گذشته به عنوان یک شاخص مثبت قلمداد شده و میزان رشد اقتصادی را بیان می کند.واین عامل باعث میشود که ارزش ارز داخلی در بازار های ارزی پابرجا باقی بماند. صنایع نامبرده در این زمره همگی از اقتصاد کل منطقه جدایی ناپذیر می باشند.یک بخش بزرگ از جمعیت در این بخشها مشغول به فعالیت می باشند و رشد مداوم این بخشها دلالت بر استخدام دائمی کارکنان آن دارد.به عنوان یک شاخص اقتصادی،تولید صنعتی

مخصوصاً نقش سازنده ای را ایفا می کند زیرا این صنایع فوراً به تغییرات اقتصادی پاسخ می دهند. برای مثال هنگامیکه اقتصاد در حال رشد می باشد، تقاضای مصرف کننده برای کالاهای ساخته شده معمولاً افزایش می یابد که این خود باعث می گردد که نیاز به انرژی برای به کار انداختن کارخانه ها و تسهیلات دیگر افزایش یابد. در حالت عکس تقاضای مصرف کننده برای کالاهای بادوام کاهش پیدا کرده و این عامل فوراً باعث کاهش در ساخت و نیازهای انرژی می گردد.

شاخص قیمت مصرف کننده

به عنوان یکی از مهمترین عوامل برای اندازه گیری تورم یک اقتصاد محسوب می گردد. تورم یک عامل لازم در رشد اقتصادی می باشد، اما تورم بیش از ۲٪ زیان آور است چراکه قدرت خرید توسط ارز ملی را پایین می آورد. هنگامیکه تورم بالانگیزان کننده می شود سرمایه گذاران ارز را رها کرده و به دنبال سرمایه گذاری در جاهای دیگر می باشند بنابراین میزان تقاضا برای ارز کاهش می یابد. CPI تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید.

شاخص قیمت تولید کننده

شاخص قیمت تولید کننده، تغییرات قیمتی که تولید کننده برای محصولاتش ماه به ماه دریافت می کند را اندازه گیری می کند. افزایش آن به عنوان یک شاخص مثبت تلقی شده و منجر به تقاضای بیشتری برای ارز می گردد. مشابه با شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص قیمت تولید کننده شاخص قیمت جاری را با ارزش ۱۰۰ مقایسه میکند. این بدان معناست که ارزش PPI (شاخص قیمت تولید کننده) اگر ۱۱۵ باشد در واقع ۱۵٪ بالاتر از پایه اصلی است. اطلاعات با بررسی هایی روی بخشهای مختلف از قبیل ساخت، کشاورزی، معدن، و سایر تسهیلات عمومی دوباره بازیافت می شود. افزایش PPI باعث افزایش ظرفیت خرید کالاها توسط مصرف کننده می شود. بنابراین، افزایش PPI در یک تورم و سطح رشد قابل قبول نشان از توسعه اقتصادی سالم بوده و این روند باعث افزایش تقاضا برای ارز ملی می گردد. تولید کنندگان می توانند محصولات خود را به فروش برسانند و به هدفهای تولید خود دست یابند و در نتیجه استخدام دائمی را موجب گردند. به هر حال افزایش PPI اگر از میزان رشد قابل قبول پیشی بگیرد می تواند علامت به وجود آمدن تورم در اقتصاد باشد.

تراز تجاری

کل ارزش واردات و کل ارزش صادرات در یک دوره گزارش شده را با هم مقایسه می کند. ارزش منفی نشان می دهد که کالاها بیشتر وارد شده اند تا صادر (کسری تجاری). برعکس، یک تراز تجاری مثبت به معنای آن است که صادرات از واردات پیشی گرفته (مازاد تجاری). این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز مورد استفاده قرار می گیرد که میزان تقاضا برای دلار را نشان می دهد. حالت مازاد تجاری یا کاهش کسری تجاری نسبت به ماه قبل به طور طبیعی نشان از آن دارد که کشورهای وارد کننده کالا بایستی ارز خود را به صورت ارز داخلی کشور عرضه کننده کالا در آورند. و این باعث افزایش تقاضا برای ارز داخلی شده که در نتیجه باعث افزایش ارزش آن می گردد.

در حالت کسری تجاری یا روند کاهش دهنده مازاد تجاری، کشور وارد کننده بایستی بیشتر ارز خود را به ارز کشوری که از آنجا کالا خریداری می کند تبدیل کند. این عامل باعث افزایش عرضه ارز داخلی در بازار فارکس گشته که موجب می شود تا ارز داخلی ارزش خود را نسبت به دیگر ارز ها از دست بدهد.

حساب جاری

کل سرمایه ورودی جدید به کشور را نشان داده و به عنوان تراز تجاری (یعنی صادرات منهای واردات به علاوه پرداختهای خالص ورودی شامل بهره و سود سهام به علاوه تمام انتقالات یک جانبه شامل کمکهای خارجی و مالیاتها و هدایای یک طرفه) تلقی می شود. اگر عدد به دست آمده مثبت باشد، مازاد حساب جاری را و اگر منفی باشد کسری حساب جاری را نشان می دهد. توجه داشته باشید که کسری حساب جاری یعنی اینکه پول بیشتری به شکل صادرات و یا انتقالات دیگر نسبت به ورود آن به کشور، از کشور خارج شده است.

انگلستان _ آمار مشترک اقتصادی

متوسط شاخص شبانه پوند

متوسط شاخص شبانه پوند (SONIA) متوسط نرخ های بهره مطالبه شده برای تمام وام های بدون تضمین که توسط شرکت کننده های بازار در بازار شبانه لندن گزارش می شود، می باشد. متوسط شاخص تنها برای معاملاتی با حداقل ۲۵ میلیون پوند محاسبه می شود SONIA. ابتدا توسط انجمن دلالتن بازارهای عمده فروش (WMBA) در سال ۱۹۹۷ معرفی شد. شاخص SONIA به عنوان یک شاخص اصلی برای توسعه معاملات پایا پای ارز شاخص شبانه محسوب می شود. این شکل از موافقتنامه مبادلات ارزی ابزار بسیار مشهوری برای نرخ معامله که به صورت تأمینی می باشد یعنی هدف از انجام آن کسب سود در بازار سرمایه نیست بلکه هدف صرفاً به حداقل رساندن ضرر های احتمالی ناشی از نوسانات قیمتی است. می باشد که توسط موسسه های اقتصادی، داد و ستدهای تأمینی با سرمایه های بالا و مدیران پورت فولیو (اوراق بهادار جمع آوری شده) مورد استفاده قرار می گیرد.

معامله پایا پای ارز، توافقی است که به موجب آن طرفین موافقت می کنند تا تبادلات (swap) بهره متعلقه روی یک مقدار در نظر گرفته شده (سرمایه اصلی) در عوض توافق روی نرخ بهره ثابت برای یک دوره زمانی مشخص باشد. هر کدام از طرفین به عنوان یک پایه یا (leg) محسوب می شوند، که یکی از پایه ها محدود به عایدی بازار شناور می شود (از قبیل SONIA) در حالیکه پایه دیگر طبق همان نرخ که توافق شده است عمل می کند. برای مثال، یک مدیر پورت فولیو ممکن است موافق باشد که به صورت بهره متعلقه روی ۲۵ میلیون پوند مبادله کند تا اینکه بخواهد به صورت عایدی به دست آمده حاصل از بهره ثابت شاخص شبانه پوند برای یک دوره نه ماهه عمل کند. این بدان معناست که مدیر پورت فولیو (فروشنده) طبق پایه ثابت مبادله عمل کرده در حالیکه طرف دیگر معامله (خریدار) طبق پایه شناور که وابسته به SONIA است نیز عمل می کند. مبالغی که خریدار به صورت بهره منظم دریافت می کند اگر تا پایان قرارداد از مبلغ ثابت پرداخت شده به فروشنده بیشتر باشد، خریدار به سود رسیده است در حالیکه اگر خریدار کمتر از آن مبلغ ثابت پرداخت شده به فروشنده (مدیر پورت فولیو) را دریافت کند در اینجا متضرر شده است بنابراین در این مثال، خریدار با شرط اینکه عایدی ای که بر اساس SONIA می باشد باید بیشتر از مبلغ پرداخت شده در طول قرارداد باشد وارد معامله می شود. در یک مبادله بسیار مهم است که سرمایه اصلی دست به دست نگشته باشد. طرفین مبادله به سادگی توافق می کنند که یک نرخ بهره مشخصی را برای معامله در نظر بگیرند. وارد شدن به موافقتنامه مبادلات ارزی نگهدارنده سرمایه را قادر می سازد تا عایدی سرمایه مورد نظر را تضمین نماید. به خریدار معاملات سلف ارز پیشنهاد می شود که از اختلاف بین پایه ثابت و شناور بدون انجام هیچ گونه ریسکی سود کسب نماید.

نرخ رسمی بانکی

این نرخ واحد مرکزی سیاست پولی بانک انگلیس بوده و بهره پرداخت شده توسط موسسات مالی که از بانک قرض می گیرند می باشد. با تغییر این نرخ بانک میتواند بر روی نرخ های بهره دیگر به منظور نگه داشتن تورم در حد ۲٪ تاثیر بگذارد. به دنبال نشست های دربار هدف های تورم که توسط دولت انگلستان و از طریق رئیس خزانه داری پیگیری می شود تصمیمات نرخ بهره توسط کمیته سیاست گذاری پولی بانک گرفته می شود. مانند نرخ بهره رایج. تغییرات نرخ بهره به وضوح نشان می دهد که [بانک انگلستان](#) تمایل دارد نرخ های بهره را

خود در اختیار بگیرد. کاهش نرخ بانکی نشان می دهد که بانک به دنبال یک دیدگاه وسیع برای اقتصاد کشور بوده و امیدوار است که با در دسترس قرار دادن هر چه راحت تر سرمایه باعث ترغیب در هزینه ها شود. با کاهش هزینه پول قرض گرفته شده در بازارهای شبانه، موسسات وام دهنده می توانند نرخ بهره وام های بازرگانی خود را برای کسب و کارها و مصرف کنندگان پایین آورند. برعکس، اگر بانک انگلستان بخواهد فشار تورم را مهار کند لازم می داند که نرخ بهره را افزایش داده و بدینوسیله قرض گرفتن پول از لحاظ مالی سنگین تر تمام می شود. بازارهای ارز در حال حاضر آمادگی لازم برای تغییر در نرخ بهره بانکی را داشته و در این میان ارز پوند بیشترین تاثیر را از این تغییرات انجام شده توسط بانک انگلستان پذیرا می باشد. همانطور که نرخ بهره بالا می رود به همان نسبت تقاضا برای ارز پوند بیشتر می شود زیرا سرمایه گذاران مطمئن هستند که می توانند راحت تر از پس عودت دادن آن نسبت به دیگر ارز ها برآیند. برعکس این امر هم صادق است یعنی هنگامیکه نرخ بهره کاهش می یابد در این حالت سرمایه گذاران تمایل دارند که از میزان سهام ارز پوند خود کاسته و آن را عرضه نمایند که این عرضه ها باعث می شود تا از ارزش ارز پوند کاسته شود.

نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن

نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن یا LIBOR متوسط نرخ بهره برای وام های شبانه در سیستم بانکی لندن می باشد. LIBOR بزرگترین بازار نرخ بهره در سطح جهان بوده و به عنوان یک نرخ مینا برای دیگر نرخ های بهره در سیستم بانکی انگلیس به حساب می آید. لندن بی شک سرآمد ترین بازار نرخ بهره در جهان بوده که باعث شده LIBOR به عنوان مبنای استاندارد برای تنظیم کردن دیگر نرخهای بهره درآید. فرآورده های مالی از قبیل FRA ها و وام هایی با نرخ شناور شامل نرخهای بهره متغیر مربوط به رهن اغلب نسبت به LIBOR قیمت گذاری می شوند. FRA در واقع اوراق بهادار مالی ای هستند که بر اساس اوراق مشتقه بوده و در آن یک طرف (خریدار یا قرض گیرنده) توافق می کند تا یک نرخ بهره ثابت به طرف دیگر قرارداد (فروشنده یا قرض دهنده) پرداخت نماید. نرخ ثابت یک مقدار توافقی (طبق سرمایه اصلی که نزد فروشنده FRA نگه داشته شده است) نیز می باشد. در عوض این پول خریدار یک مقدار توافقی به عنوان سود از فروشنده FRA بسته به نرخ مرجع شناور که در اینجا همان نرخ LIBOR می باشد نیز دریافت می کند. LIBOR همچنین به عنوان نرخ مرجع برای خیلی از ارزشهای اصلی جهانی شامل دلار آمریکا، کانادا، نیوزلند و استرالیا و همچنین پوند، یورو، فرانک سوئیس، ین ژاپن، کرون سوئد، کرون دانمارک به شمار می رود. ساعت ۱۱ هر روز کاری در انگلیس انجمن بانکی انگلستان (BBA) نرخ جاری LIBOR شبانه را منتشر می کند که بر اساس بررسی های انجام شده روی شرکت کنندگان در بازار شبانه قبلی می باشد. همچنین (BBA) نرخهای LIBOR پیشنهاد شده برای سپرده هایی با سررسید ۳ ماهه، ۶ ماهه و یکساله را تعیین می کند.

منحنی بازده

این منحنی، بازده ابزار درآمد ثابت را نشان می دهد. شکل منحنی رابطه بین بازده مورد انتظار و زمان سر رسید را نشان می دهد. در انگلستان، نرخ بانکی نرخ مرجع برای نرخهای بهره کوتاه مدت بوده و عایدی های صدور اوراق قرضه داخلی باعث تغییرات نرخ بانکی می شود.

بازده اوراق قرضه بر پایه مدت زمان اوراق قرضه (یعنی بر اساس زمان سر رسید) و همچنین اعتبار صادر کننده آن می باشد. به منظور جذب سرمایه گذاران، صادر کنندگان اوراق قرضه غیر دولتی باید بازده بالاتری را پیشنهاد دهند چراکه این اوراق ریسک بیشتری نسبت به اوراق قرضه با پشتوانه دولتی دارند و سرمایه گذاران انتظار نوعی حق بیمه در ازای پذیرش این ریسک اضافی را دارند.

همچنین اوراق قرضه بلند مدت در معرض خطر از دست دادن ارزش خود از طریق کاهش اسپرد نقدینگی هستند. این اصطلاح اشاره به اختلاف بین بازده و نرخ بهره کوتاه مدت دارد. همانطور که نرخ بهره افزایش پیدا می کند، بازده یک اوراق قرضه ارزش کمتری پیدا می کند چراکه به اندازه کافی بالا نمی باشد که نرخ بهره در حال افزایش را جبران کند، که موجب کاهش ارزش واقعی بازده میشود. اگر نرخ بهره کوتاه مدت تا بالای منحنی بازده افزایش پیدا کند، در واقع سرمایه گذار دارای یک اسپرد نقدینگی منفی هستند.

منحنی بازده نرمال

اصطلاح منحنی بازده "نرمال" منحنی می باشد که به صورت مقعر به سمت بالا می باشد. این نشان دهنده افزایش بازده (محور طولی) بر حسب افزایش زمان سرسید (محور عرضی) می باشد. این مطابق نظریه APT است که می گوید هرچه قدر مدت سر رسید طولانی تر باشد، بازده افزایش می یابد. این رویکرد باعث تشویق سرمایه گذارانی که مایل به نگه داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطراتی که پیشتر گفته شد، می باشند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساسا بازده برای تمامی سر رسیده ها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدبینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای دراز مدت پابرجا باشد.

منحنی بازده LIBOR

نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن LIBOR، متوسط نرخ های بهره عرضه شده روی وام های شبانه و بدون تضمین می باشد که بین بانکهای شرکت کننده در سیستم بانکی لندن می باشد. این منحنی بازده نرخ های LIBOR مطرح شده را برای دوره های گوناگون نشان داده و به عنوان یک نرخ مرجع برای قراردادهای FRA در نظر گرفته می شود. لندن بی شک سرآمد ترین بازار نرخ بهره در جهان بوده که باعث شده LIBOR به عنوان مبنای استاندارد برای تنظیم کردن دیگر نرخهای بهره درآید. فرآورده های مالی از قبیل FRA ها و وام هایی با نرخ شناور شامل نرخهای بهره متغیر مربوط به رهن اغلب نسبت به LIBOR قیمت گذاری می شوند FRA. در واقع اوراق بهادار مالی ای هستند که بر اساس اوراق مشتقه بوده و در آن یک طرف (خریدار یا قرض گیرنده) توافق می کند تا یک نرخ بهره ثابت به طرف دیگر قرارداد (فروشنده یا قرض دهنده) پرداخت نماید. نرخ ثابت یک مقدار توافقی (طبق سرمایه اصلی که نزد فروشنده FRA نگه داشته شده است) نیز می باشد. در عوض این پول خریدار یک مقدار توافقی به عنوان سود از فروشنده FRA بسته به نرخ مرجع

شناور که در اینجا همان نرخ LIBOR می باشد نیز دریافت می کند LIBOR. همچنین به عنوان نرخ مرجع برای خیلی از ارزهای اصلی جهانی شامل دلار آمریکا، کانادا، نیوزلند و استرالیا و همچنین پوند، یورو، فرانک سوئیس، ین ژاپن، کرون سوئد، کرون دانمارک به شمار می رود. ساعت ۱۱ هر روز کاری در انگلیس انجمن بانکی انگلستان (BBA) نرخ جاری LIBOR شبانه را منتشر می کند که بر اساس بررسی های انجام شده روی شرکت کنندگان در بازار شبانه قبلی می باشد. همچنین (BBA) نرخهای LIBOR پیشنهاد شده برای سپرده هایی با سررسید ۳ ماهه، ۶ ماهه و یکساله را تعیین می کند.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت مالکیت شرکت های تولید کالا برای تولید کالا استفاده می شود - به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. این نمودار درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی را از سه ماهه قبل را نشان می دهد.

افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان می دهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامی که ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این مقداری می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان قادر می سازد که تعیین کنند که آیا اقتصاد در یک بازه زمانی افزایش داشته است یا کاهش.

ارقام تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند، معمولاً به عنوان میزان تولید ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

شاخص تغییر شمارش مدعی

این شاخص گزارش ماهیانه تعداد افراد بیکاری که مطالبات بیکاری خود را در طی ماه گذشته طلب نموده اند می سنجد. این گزارش طبق سن مدعی، مدت زمان جستجو برای استخدام، محل کار و نوع شغل درخواستی می باشد. روند نزولی این شاخص به عنوان یک فاکتور اقتصادی مثبت تلقی می شود چرا که نشان می دهد شمار زیادی از افراد از ماه قبل تا الان مشغول به کار شده اند و باعث می گردد تا ارزش

این شاخص در سال ۱۹۷۰ به عنوان شاخص اصلی بازار نیروی کار انسانی قلمداد شده و پیگیری ماه به ماه ارقام اشتغال در انگلستان را بر عهده دارد. مدعی به کسی گفته می شود که مطالبات مربوط به بیکاری که شامل مستمری جوینده کار یا اعتبارات بیمه ملی می شود را دریافت کند. اشخاص دریافت کننده مطالبات شامل معلولان و یا کسانی که مشکل درمانی دارند می شود ولی دانش آموزانی که در حال

جستجو برای کار نیمه وقت هستند یا فقط می خواهند برای ایام تعطیل کار داشته باشند شامل اینگونه افراد نمی شود. گزارش شمارش مدعی توسط اداره آمار ملی گردآوری می شود (ONS، اداره آمار ملی) یک آژانس دولتی بوده که مسئول توسعه یک رنج وسیعی از آمار جمعیتی که توسط دولت برای تنظیم سیاستهایی که نیازهای شهروندان انگلستان کیپر را برطرف می کند مورد استفاده قرار می گیرد. با توجه به گزارشهای استخدامی انگلستان شامل شاخص شمارش مدعی و گزارش نرخ بیکاری، ONS راهبردهای توسعه یافته توسط سازمان کار بین المللی را جهت طبقه بندی کردن تمام شهروندان بیش از سن ۱۶ سال در یکی از طبقات زیر را مورد استفاده قرار می دهد.

1-استخدام شده

2-استخدام نشده

3-از لحاظ اقتصادی غیر فعال (نه استخدام شده و نه به دنبال استخدام می باشد)

نرخ بیکاری

بررسی نیروی کار (LFS) هر ماه با سر شماری کمتر از ۵۵۰۰۰ خانوار انجام می شود. این شامل همه اعضای خانوار که ۱۶ سال و یا بالاتر هستند و به عنوان بیکار شمرده می شوند و همچنین کسی که در حال حاضر کار نمی کند اما فعالانه از ۴ هفته پیش در جستجوی کار می باشد و در عرض ۲ هفته آماده است که کاری را شروع کند، می شود. افزایش بیکاری به عنوان یک شاخص منفی محسوب می گردد زیرا تقاضای افراد بیکار برای کالا و خدمات کاهش می یابد. تاثیر بارز افزایش جمعیت، کاهش مخارج مصرف کننده می باشد زیرا مساعدات افراد بیکار از دستمزد آنان زمانی که مشغول به کار بودن کمتر می باشد و کاهش در مخارج سریعترین پاسخ خانوارهای دچار شده می باشد. علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد. تمام اعضای اتحادیه اروپا ملزم می باشند تا یک بررسی نیروی کاری منظم که برآوردهای سطح بیکاری را مشخص می کند نیز انجام دهند. گزارش نرخ بیکاری توسط اداره آمار ملی گردآوری می شود (ONS، اداره آمار ملی) یک آژانس دولتی بوده که مسئول توسعه یک رنج وسیعی از آمار جمعیتی که توسط دولت برای تنظیم سیاستهایی که نیازهای شهروندان انگلستان کیپر را برطرف می کند مورد استفاده قرار می گیرد. با توجه به گزارشهای استخدامی انگلستان، ONS راهبردهای توسعه یافته توسط سازمان کار بین المللی جهت طبقه بندی کردن تمام شهروندان بیش از سن ۱۶ سال در یکی از طبقات زیر را مورد استفاده قرار می دهد.

1-استخدام شده

2-استخدام نشده

3-از لحاظ اقتصادی غیر فعال (نه استخدام شده و نه به دنبال استخدام می باشد)

شاخص میزان متوسط درآمد ساعتی

تغییرات پیش بینی شده در درآمد ناخالص هر فرد را گویند. شاخص آمار ملی اطلاعات مربوط به درآمد را از تقریباً ۸۵۰۰ کارفرما به منظور رسیدن به یک متوسط درآمد بابت هر نفر فراهم می کنند. در این بررسی هیچ تفاوتی میان استخدامی نیمه وقت و یا تمام وقت وجود ندارد و شامل حقوق پایه، اضافه کاری، مزد کار شیفتی، و پاداشهای پرداخت شده توسط کارفرما می باشد.

شاخص تولید

تولید ساخت، معدن و صنایع عرضه انرژی را اندازه گیری کرده و با سال مبنا مقایسه می کند. افزایش این شاخص به عنوان یک فاکتور مثبت در نظر گرفته می شود که رشد اقتصادی را تایید می کند. این عامل معمولاً ارزش پوند را در بازارهای ارز ساپورت می کند. شاخص فعلی بر اساس ۲۰۰۳ می باشد این بدان معناست که ارزش بالاتر از ۱۰۰ تایید می کند که تولید از زمان در نظر گرفته شده (زمان مبنا) سبقت گرفته است در حالیکه ارزش کمتر از ۱۰۰ تایید میکند که تولید از زمان مبنا عقب تر می باشد. به دلیل اینکه ارزشهای ماهیانه بی ثبات هستند لذا اداره آمار ملی در نظر دارد تا نتایج سه ماهه را به منظور کاهش دادن تاثیر هر ماه اعمال نماید.

خرده فروشی ها

گزارش ماهانه بررسی، ۵۰۰۰ کسب و کار که شامل خرده فروشان از همه نوع سایز می شود می باشد. گزارش خرده فروشی بینشی را در مورد روندهای هزینه های ممکن فراهم کرده و تمام خرده فروشی ها و فروشهای کلی توسط بخشها را با یکدیگر مقایسه می کند. کاهش شاخص خرده فروشی نشان می دهد که رشد اقتصادی به کندی صورت گرفته و این عامل باعث افت در ارز پوند نسبت به دیگر ارزها می گردد.

شاخص قیمت خرده فروشی

به صورت شاخص ۱۰۰ منتشر شده و با سال مبنا مقایسه می شود. افزایش در خرده فروشی تاثير مثبتی روی ارز داشته زیرا آن نشان دهنده رشد اقتصادی می باشد. ارزش بالاتر از ۱۰۰ نشان دهنده یک افزایش در خرده فروشی بوده که نسبت به سال مبنا بالاتر می باشد در صورتیکه ارزش کمتر از ۱۰۰ نشان دهنده یک کاهش در خرده فروشی بوده که نسبت به سال مبنا پایین تر می باشد. اداره آمارهای ملی تقریباً ۵۰۰۰ بازار خرده فروشی از انواع مختلف شغلها و با اندازه های مختلف را به منظور تولید شاخص قیمت خرده فروشی مورد بررسی قرار می دهد RPI. یک شاخص اقتصادی مهم بوده چرا که بازخوردی از یک بخش بزرگ از هزینه های ماهیانه خانوار بوده که یک قسمت عمده از اقتصاد کل محسوب می شود. کاهش شاخص قیمت خرده فروشی باعث کساد اقتصادی انگلستان می گردد. اگر این کاهش ادامه پیدا کند ابتدا باعث افزایش نرخ بیکاری در سطح خرده فروشی می شود سپس در مراحل بعدی در بخش تولید مانند کارخانه ها اثر گذاشته و باعث می شود که کارخانه ها برای نگه داشتن میزان تقاضا به ذخیره کردن محصولات خود بپردازند. به خاطر وجود بازارهای در حال کوچک شدن و کاهش پیدا کردن میزان تقاضا برای کالا، ارزش ارز نسبت به دیگر ارزها پایین می آید.

شاخص بهای مصرف کننده

به عنوان یکی از مهمترین عوامل برای اندازه گیری تورم یک اقتصاد محسوب می گردد. تورم یک عامل لازم در رشد اقتصادی می باشد، اما تورم بیش از ۲٪ زیان آور است چراکه قدرت خرید توسط ارز ملی را پایین می آورد. هنگامیکه تورم بالاتر از حد مطلوب می شود سرمایه گذاران ارز را رها کرده و به دنبال سرمایه گذاری در جاهای دیگر می باشند بنابراین میزان تقاضا برای ارزی کاهش می یابد CPI. تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود در انگلستان سال مبنا همان سال ۲۰۰۵ می باشد. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر

بخواهیم سید کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کنندگان را ماه به ماه ارزیابی کنید.

خروجی شاخص بهای تولیدکننده

گاهی اوقات به قیمت در دروازه کارخانه گفته می شود شاخص خروجی PPI قیمت های کالا هنگام خروج از کارخانه را اندازه گیری می کند. افزایش در شاخص PPI معمولاً باعث بالا رفتن قیمت خرده فروشی می گردد. زیرا خرده فروشان برای بالا بردن سود خود قیمت کالاهای خود را بالاتر از حداکثر قیمت خرید کالا از تولید کنندگان در نظر می گیرند. به عنوان یک شاخص اندازه گیری کننده تورم شاخص قیمت مصرف کننده قیمت های دریافت کننده از تولید کنندگان برای یک مقدار مشخص سید کالا را با یکدیگر مقایسه می کند. افزایش در خروجی PPI درآمد تولیدکننده را افزایش می دهد همچنین هزینه کالا هنگامیکه به بخش خرده فروشی وارد می شود را هم افزایش می دهد چونکه خرده فروشان باید به دنبال این افزایش قیمت، خرده فروشان هم برای دریافت کالا باید پول بیشتری به تولید کنندگان بپردازند و این افزایش قیمت به مصرف کننده انتقال می یابد. افزایش PPI به عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی محسوب می شود چراکه هزینه مصرف کننده به خاطر افزایش قیمت ها، افزایش می یابد. به هر حال اگر تورم باعث نگرانی گردد بانک انگلستان ممکن است که نرخ بهره خود را افزایش داده تا هزینه کل را تسهیل بخشد.

ورودی شاخص بهای تولیدکننده

شاخص PPII هزینه مواد و هزینه های اجرایی توسط کارخانه های سازنده انگلستان را پیگیری می کند این شاخص به عنوان شاخص تورم اولیه در نظر گرفته می شود و به احتمال بسیار زیاد هزینه های تولید تا زمانیکه کالا به دست مصرف کننده برسد افزایش پیدا می کند. اگرچه تاثیر PPII به اندازه PPIO یا شاخص های خرده فروشی نیست ولی می تواند روی جهت ارز پوند در بازار فارکس تاثیر بگذارد.

تراز تجاری

کل ارزش واردات و کل ارزش صادرات در یک دوره گزارش شده را با هم مقایسه می کند. ارزش منفی نشان می دهد که کالاهای بیشتر وارد شده اند تا صادر (کسری تجاری). برعکس، یک تراز تجاری مثبت به معنای آن است که صادرات از واردات پیشی گرفته (مازاد تجاری). این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز مورد استفاده قرار می گیرد که میزان تقاضا برای دلار را نشان می دهد. حالت مازاد تجاری یا کاهش کسری تجاری نسبت به ماه قبل به طور طبیعی نشان از آن دارد که کشورهای وارد کننده کالا بایستی ارز خود را به صورت ارز داخلی کشور عرضه کننده کالا در آورند. و این باعث افزایش تقاضا برای ارز داخلی شده که در نتیجه باعث افزایش ارزش آن می گردد.

در حالت کسری تجاری یا روند کاهش دهنده مازاد تجاری، کشور وارد کننده بایستی بیشتر ارز خود را به ارز کشوری که از آنجا کالا خریداری می کند تبدیل کند. این عامل باعث افزایش عرضه ارز داخلی در بازار فارکس گشته که موجب می شود تا ارز داخلی ارزش خود را نسبت به دیگر ارز ها از دست بدهد.

حساب جاری

کل سرمایه ورودی جدید به کشور را نشان داده و به عنوان تراز تجاری (یعنی صادرات منهای واردات به علاوه پرداخت های خالص ورودی شامل بهره و سود سهام به علاوه تمام انتقالات یک جانبه شامل کمک های خارجی و مالیاتها و هدایای یک طرفه) تلقی می شود. اگر عدد به

دست آمده مثبت باشد، مازاد حساب جاری را و اگر منفی باشد کسری حساب جاری را نشان می دهد. توجه داشته باشید که کسری حساب جاری یعنی اینکه پول بیشتری به شکل صادرات و یا انتقالات دیگر نسبت به ورود آن به کشور، از کشور خارج شده است.

ژاپن_آمار مشترک اقتصادی

نرخ بهره شبانه بین بانکی بدون وثیقه

نرخ بهره شبانه بین بانکی بدون وثیقه، نرخ وامی است که برای وام های کوتاه مدت که معمولاً برپایه نرخ شبانه بین بانکی در سیستم بانکداری می باشد مطالبه می گردد. این نرخ بهره از ارزش بسیار بالایی برخوردار بوده چرا که بر روی نرخهای مطالبه شده توسط بانکها برای وام های تجاری تاثیر بسزایی می گذارد. **بانک ژاپن** این نرخ به عنوان هدف اجرایی استفاده کرده و از توانایی آن برای نحوه عرضه پول استفاده می کند تا نرخ بهره را در یک شرایط مطلوب نگه دارد. بانکهای تجاری ژاپن اغلب به وجوه اضافی برای بستن معاملات روزانه نیاز دارند. به جای اینکه دارایی های خود را به صورت نقدینگی درآورند و یا حساب ذخیره خود را ببندند تا میل دارند که از نرخ بهره شبانه بین بانکی بدون وثیقه استفاده کنند یا از همان بازار شبانه که وجوه مورد نیاز را قرض گرفته تا معاملات روزانه را بتوانند ببندند. همانطور که از اسم آن پیداست ، وام های شبانه نیاز به وثیقه نداشته و بایستی تا ساعت ۱۰ صبح فردای آن روز پرداخت گردد. یکی از راههایی که بانک ژاپن می تواند روی نرخ های شبانه تاثیر بگذارد اداره کردن سطوح نقدینگی میان روزی قابل دسترس داخل سیستم بانکی می باشد. نقدینگی میان روزی به وجوه مورد نیاز برای بانکهای تجاری جهت اداره اعمال روزانه می گویند و نیاز به این نقدینگی در صبح بیش از دیگر وقتها می باشد. مخصوصاً برای آن بانکهایی که مجبور به باز پرداخت وام های بازار شبانه می باشند که قبلاً ذکر شد. بانک ژاپن این نقدینگی را از طریق حواله های بیش از اعتبار (اضافه برداشت) بدون بهره، فراهم می نماید. اضافه برداشت ها بایستی توسط وثیقه مناسب پشتیبانی گردد و کل اضافه برداشت ها باید تا آخر روز کاری بازپرداخت شوند. با تغییر شرایط وثیقه یا حتی سرمایه گذاری مشترک روی وجوه حواله های بیش از اعتبار قابل دسترس بانک ژاپن می تواند به طور مستقیم حواله های بی بهره را که سیستم بانکی معمولاً برای پوشش دادن به اوراق قرضه بازار شبانه استفاده می کند را کنترل نماید. برای مثال، اگر بانک مرکزی بخواهد نرخ شبانه را افزایش دهد می تواند به سرمایه گذاری مشترک وجوه قابل دسترس برای حواله های بدون بهره بیفزاید این عمل به طور قطع تقاضا برای وام های شبانه را افزایش می دهد زیرا بانکهای تجاری می دانند که می توانند برای به کار انداختن دوباره وام های شبانه از حواله ها در صبح روز بعد استفاده کنند. با افزایش تقاضا برای وام های شبانه نرخها هم افزایش می یابد و به همان نسبت بانکها هم پیشنهاد مزایده خود را بالا می برند تا اینکه مطمئن شوند وجوه مورد نیاز را قبل از اتمام روز کاری دریافت کرده اند. از طرف دیگر اگر بانک بخواهد نرخ شبانه را کاهش دهد می تواند پولی که بدون بهره می باشد را کاهش دهد. بنابراین قرض گرفتن وجوه شبانه را کمی مشکل و به طور بالقوه گران تر می سازد. کاهش تقاضا باعث کاهش نرخ قرض شبانه می گردد .

نرخ رسمی پایه

نرخ رسمی پایه نرخ است که بانک ژاپن بر اساس آن وام هایی را برای موسسات مالی در سیستم بانکی فراهم می نماید. اصولاً نرخ رسمی پایه توسط بانک برای ارائه وام های مستقیم به بانکهای تجاری تنظیم می شد. به هر حال در سال ۱۹۹۴ این نرخ به نرخ شناور تبدیل شد که مطابق با دیگر تسهیلات وام ها در دسترس موسسات مالی ژاپن از قبیل بازار بهره شبانه بین بانکی بدون وثیقه و قراردادهای باز خرید (که فروشنده تعهد میکند کالا را بعد از فروش دوباره خریداری کند) قرار می گرفت.

اوراق بهادار با درآمد (سود) ثابت

سابقه بازده برای اوراق بهادار با درآمد (سود) ثابت را مشخص می کند. مثلاً اوراق قرضه ۱۰ ساله. ارزش اوراق بهادار با درآمد ثابت در بازار ثانویه اوراق قرضه بسته به شرایط بازار در حال نوسان می باشد. همانطور که از نام آن مشخص است درآمد برای این گونه اسناد بر اساس نرخ بازگشت مشخص همراه با تاریخ سررسید برای اوراق قرضه ثابت می باشد. بازده بر اساس نرخهای بهره جاری، زمان سررسید و اعتبار صادر کننده اوراق می باشد. برای مثال، معمولاً اوراق غیر دولتی سود بیشتری را شامل می شوند زیرا این اوراق با ریسک بیشتری نسبت به اوراق دولتی همراه می باشند و سرمایه گذاران توقع حق بیمه در برابر قبول این اوراق با ریسک بیشتر را دارند. علاوه بر این هر چه دوره این اوراق بیشتر باشد خطر از دست دادن ارزش آنها از لحاظ اختلاف نقدینگی بیشتر می شود. اصطلاح اسپرد به اختلاف بین بازده اوراق و نرخ های بهره کوتاه مدت بر می گردد. همانطور که نرخهای بهره بالا می رود بازده ثابت اوراق قرضه کم ارزش تر می شود چراکه نمی تواند خود را با افزایش نرخ بهره وفق داده و آن را جبران نماید که در نتیجه ارزش واقعی بازگشت سود کم می شود. اگر نرخهای بهره کوتاه مدت بالاتر از بازده قرار بگیرد سرمایه گذاران در واقع با یک اسپرد نقدینگی منفی مواجه می شوند.

منحنی بازده نرخهای repo توکیو

بازده قراردادهای باز خرید بین موسسات مالی از شبانه گرفته تا سالیانه می باشد. قراردادهای باز خرید یا همان repo قراردادهایی هستند که به موجب آن یک طرف موافقت می کند تا به طرف دیگر اوراق قرضه بدهد و با این توافق که پس از به اتمام رسیدن تاریخ سررسید اوراق و با قیمتی که از قبل تعیین شده است آنها را دوباره از او بخرد. در مورد موسسه های مالی repo ها شامل وام های نقدی و بر اساس نرخهای شبانه می باشد. بانکهای تجاری اغلب برای انجام کارهای روزانه به وجوه کوتاه مدت نیاز دارند و پیش از آن به دارایی های نقدی و ترجیحاً وارد قرارداد repo با بانک دیگری می شوند. بانکهای قرض دهنده مجاز هستند تا هر مقدار که دوست دارند پرداخت نمایند. اما اگر بخواهند با دیگر بانکها رقابت کنند باید نرخ های REPO نسبتاً ثابت باشد. بانکهایی که به این روش از وجوه خود استفاده می کنند معمولاً موسسه هایی را دایر می کنند تا حساب های سپرده باز کرده و برگشت این وجوه به مقدار زیادتر به این حساب ها واریز گردد. علاوه بر برگشت پول به میزان بالاتر، ریسک کمی برای بانکهای قرض دهنده وجود دارد چرا که مدت کمی برای بانکهای قرض گیرنده تا زمان سررسید REPO باقی می ماند تا بخواهند از پرداخت بدهی خود کوتاهی کنند. منحنی بازده نرخ های REPO، بازده برای REPO هایی با مدت زمان متفاوت از قراردادهای شبانه گرفته تا مدت زمان یکسال را به تصویر می کشد. برای اینکه بتوان بازده نرخ را برای این اندیکاتور محاسبه کرد، بانکهای قرض دهنده بازده هایی را با جزئیات سررسید آنها برای بانک ژاپن فراهم کرده در حالیکه ۱۵٪ حد بالا و پایین برداشته می شود، سپس بانک از این بازده ها میانگین گرفته تا به یک نقطه مشخص برای هر دوره REPO برسد.

منحنی بازده

این منحنی، بازده ابزار درآمد ثابت را نشان می دهد. شکل منحنی رابطه بین بازده مورد انتظار و زمان سر رسید را نشان می دهد. بازده اوراق قرضه بر پایه مدت زمان اوراق قرضه (یعنی بر اساس زمان سر رسید) و همچنین اعتبار صادر کننده آن می باشد. به منظور جذب سرمایه گذاران، صادر کنندگان اوراق قرضه غیر دولتی باید بازده بالاتری را پیشنهاد دهند چراکه این اوراق ریسک بیشتری نسبت به اوراق قرضه با پشتوانه دولتی دارند و سرمایه گذاران انتظار نوعی حق بیمه در ازای پذیرش این ریسک اضافی را دارند. همچنین اوراق قرضه بلند مدت در معرض خطر از دست دادن ارزش خود از طریق کاهش اسپرد نقدینگی هستند. این اصطلاح اشاره به اختلاف بین بازده و نرخ بهره کوتاه مدت دارد. همانطور که نرخ بهره افزایش پیدا می کند، بازده یک اوراق قرضه ارزش کمتری پیدا می کند چراکه به اندازه کافی بالا نمی باشد که نرخ بهره در حال افزایش را جبران کند، که موجب کاهش ارزش واقعی بازده میشود. اگر نرخ بهره کوتاه مدت تا بالای منحنی بازده افزایش پیدا کند، در واقع سرمایه گذار دارای یک اسپرد نقدینگی منفی هستند.

منحنی بازده نرمال

اصطلاح منحنی بازده "نرمال" منحنی می باشد که به صورت مقعر به سمت بالا می باشد. این نشان دهنده افزایش بازده (محور طولی) بر حسب افزایش زمان سرسید (محور عرض ها) می باشد. این مطابق نظریه APT است که می گوید هرچه قدر مدت سر رسید طولانی تر باشد، بازده افزایش می یابد. این رویکرد باعث تشویق سرمایه گذارانی که مایل به نگر داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطراتی که پیشتر گفته شد، می باشند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساساً بازده برای تمامی سر رسیده ها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای دراز مدت پابرجا باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت مالکیت شرکت های تولید کالا برای تولید کالا استفاده می شود - بهطور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان میدهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامی که ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این مقداری می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان قادر می سازد که تعیین کنند که آیا اقتصاد در یک بازه زمانی افزایش داشته است یا کاهش. ارقام تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند، معمولاً به عنوان میزان تولید ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

تولید ناخالص نسبی

درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی را اندازه گیری می کند (یعنی کل ارزش کالاها و خدمات تولید شده در کشور) از زمان دوره گزارش قبلی. هنگام محاسبه GDP هر چیزی که در داخل کشور تولید شده بدون در نظر گرفتن ملیت مالک کارخانه های سازنده کالا به حساب می آید. به طور خلاصه، اگر آن در داخل کشور تولید شود در محاسبه GDP، به حساب می آید. افزایش در GDP تولید ناخالص داخلی) به عنوان یک فاکتور مثبت محسوب می گردد که نشان می دهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این عامل باعث افزایش تقاضا برای ارز دلار گشته و باعث افزایش ارزش آن در بازار فارکس می گردد. هر چقدر که ارزش تولید کشور بالاتر می رود نیروی کاری هم افزایش پیدا کرده و اشتغال بیشتر می شود در نتیجه بر درآمد کشور افزوده می گردد. به هر حال نقص هایی هم در این فرضیه وجود دارد طوریکه کار داوطلبانه و کار به اصطلاح اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی GDP به حساب نمی آیند. در این حالت، کار انجام گرفته شده کار زیر میزی بوده و یا کار انجام شده برای مبادله کالاها یا خدماتی که جزو نتایج GDP نمی باشند نیز محسوب می شود.

نرخ بیکاری

درصد افرادی که آمادگی لازم برای انجام کار را داشته و در حال حاضر به دنبال آن هستند که استخدام شوند اما قادر نیستند که این موقعیت را فراهم کنند. افزایش بیکاری به عنوان یک فاکتور منفی محسوب می شود که حاکی از احتمال کاهش در مخارج مصرف کننده می باشد. براساس این گزارش، اصطلاح بیکار به اشخاصی که در طی دوره این بررسی، در سن کار بوده ولی هیچ گونه دستمزدی برای فعالیتهای خود چه به صورت شغل آزاد و چه به صورت دیگر نداشته اند، گفته می شود. همچنین باید در نظر داشت که این بررسی برای افرادی است که در جامعه حضور داشته و فعالانه به دنبال استخدام بوده اند منظور می شود.

دانش آموزان و خانه داران هم اگر مانند دیگر افراد جامعه که به صورت تمام وقت مشغول به کار هستند و شامل شرایط گفته شده در بالا می باشند، در آن صورت شاغل محسوب می شوند در غیر اینصورت اگر فقط کاری را انجام می دهند که در مقابل دستمزدی دریافت کنند باز هم به عنوان بیکار محسوب می شوند. مثلاً اگر یک دانش آموزی که هم اکنون در سن کار می باشد ولی هنوز استخدام نشده است و در پی کار می باشد بیکار به حساب می آید. تاثیر آشکار افزایش بیکاری بر کاهش میزان هزینه مصرف کننده بر همه کس روشن است، چرا که کاهش در دستمزد باعث این رویداد می گردد. علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد.

افراد شاغل

تمام افراد شاغل در حال حاضر را نشان می دهد که شامل افراد دارای مشاغل آزاد هم می گردد. این نمودار تغییرات ماهیانه تعداد افراد شاغل را نشان می دهد هر گونه استاندارد استخدامی به عنوان یک اندیکاتور مهم در مورد سلامت اقتصاد محسوب می شود چراکه استخدام می تواند بر روی شاخص مخارج مصرف کننده تاثیر بگذارد. اگر استخدام به طرز قابل قبولی عمل کند و ضریب اطمینان کارگر از اینکه کار او مداوم است بالا رود آنگاه مخارج مصرف کننده نیز مطلوب باقی می ماند. به هر حال اگر استخدام کاهش پیدا کند باید انتظار داشت که مخارج مصرف کننده هم کاهش یابد.

علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد.

تولید صنعتی

تغییرات دوره ای در صنایع اولیه (کشاورزی ، ماهیگیری ، معدن) و ثانویه (ساخت و تولید) و صنایع ثالث (فراهم کردن خدمات برای مشتریان نهایی) را اندازه گیری می کند. افزایش نسبت به دوره قبل به عنوان یک عامل مثبت تلقی شده و نشان دهنده رشد در اقتصاد می باشد. صنایع نامبرده در این زمره همگی از اقتصاد کل منطقه جدایی ناپذیر می باشند. یک بخش بزرگ از جمعیت در این بخشها مشغول به فعالیت می باشند و رشد مداوم این بخشها دلالت بر استخدام دائمی کارکنان آن دارد. به عنوان یک شاخص اقتصادی، تولید صنعتی مخصوصاً نقش سازنده ای را ایفا می کند زیرا این صنایع فوراً به تغییرات اقتصادی پاسخ می دهند. برای مثال هنگامیکه اقتصاد در حال رشد می باشد، تقاضای مصرف کننده برای کالاهای ساخته شده معمولاً افزایش می یابد که این خود باعث می گردد که نیاز به انرژی برای به کار انداختن کارخانه ها و تسهیلات دیگر افزایش یابد. در حالت عکس تقاضای مصرف کننده برای کالاهای بادوام کاهش پیدا کرده و این عامل فوراً باعث کاهش در ساخت و نیازهای انرژی می گردد.

تولید صنعتی نسبی

تغییرات دوره ای در صنایع اولیه (کشاورزی ، ماهیگیری ، معدن) و ثانویه (ساخت و تولید) و صنایع ثالث (فراهم کردن خدمات برای مشتریان نهایی) را اندازه گیری می کند. افزایش نسبت به دوره قبل به عنوان یک عامل مثبت تلقی شده و نشان دهنده رشد در اقتصاد می باشد. صنایع نامبرده در این زمره همگی از اقتصاد کل منطقه جدایی ناپذیر می باشند. یک بخش بزرگ از جمعیت در این بخشها مشغول به فعالیت می باشند و رشد مداوم این بخشها دلالت بر استخدام دائمی کارکنان آن دارد. به عنوان یک شاخص اقتصادی، تولید صنعتی مخصوصاً نقش سازنده ای را ایفا می کند زیرا این صنایع فوراً به تغییرات اقتصادی پاسخ می دهند. برای مثال هنگامیکه اقتصاد در حال رشد می باشد، تقاضای مصرف کننده برای کالاهای ساخته شده معمولاً افزایش می یابد که این خود باعث می گردد که نیاز به انرژی برای به کار انداختن کارخانه ها و تسهیلات دیگر افزایش یابد. در حالت عکس تقاضای مصرف کننده برای کالاهای بادوام کاهش پیدا کرده و این عامل فوراً باعث کاهش در ساخت و نیازهای انرژی می گردد.

شاخص تجاری خرده فروشی

تغییرات در ارزش کل کالاهای و خدمات فروخته شده در هر ماه به صورت خرده فروشی را بیان می کند. به عنوان یک وسیله جهت اندازه گیری میزان مصرف که منجر به تورم می گردد مورد استفاده قرار می گیرد همچنین شاخص تجاری خرده فروشی باعث درک ضریب اطمینان مصرف کننده می شود. مخارج مصرف کننده یکی از مهمترین شاخصهایی است که به ضریب اطمینان مصرف کننده ها در اقتصاد اشاره دارد. هنگامیکه افراد از ماندن در سر کار خود مطمئن می گردند و شرایط اقتصادی مورد مطلوب آنهاست مخارج خرده

فروشی افزایش می یابد. هنگامیکه ضریب اطمینان مصرف کننده پایین است مخارج خرده فروشی اولین جایی است که تحت تاثیر قرار می گیرد و به صورت کاهش در شاخص تجاری خرده فروشی خود را نمایان می سازد. در رابطه با تورم، افزایشهای متوالی در شاخص تجاری خرده فروشی می تواند ورود فشارهای تورم به اقتصاد را نشان دهد و این با ارزیابی دیگر شاخصها می تواند مورد تصدیق قرار گیرد به خصوص شاخص قیمت مصرف کننده. هنگامیکه شاخص مخارج مصرف کننده افزایش می یابد بانک مرکزی معمولاً "نرخهای بهره را افزایش می دهد این کار باعث می شود تا هزینه پول قرض گرفته شده افزایش یافته و این کار باعث می شود تا مخارج مصرف کننده کاهش یابد.

شاخص نسبی خرده فروشی

تغییرات در ارزش کل کالاها و خدمات فروخته شده در هر ماه به صورت خرده فروشی را بیان می کند. به عنوان یک وسیله جهت اندازه گیری میزان مصرف که منجر به تورم می گردد مورد استفاده قرار می گیرد همچنین شاخص تجاری خرده فروشی باعث درک ضریب اطمینان مصرف کننده می شود. مخارج مصرف کننده یکی از مهمترین شاخصهایی است که به ضریب اطمینان مصرف کننده ها در اقتصاد اشاره دارد. هنگامیکه افراد ازماندن در سر کار خود مطمئن می گردند و شرایط اقتصادی مورد مطلوب آنهاست مخارج خرده فروشی افزایش می یابد. هنگامیکه ضریب اطمینان مصرف کننده پایین است مخارج خرده فروشی اولین جایی است که تحت تاثیر قرار می گیرد و به صورت کاهش در شاخص تجاری خرده فروشی خود را نمایان می سازد. در رابطه با تورم، افزایشهای متوالی در شاخص تجاری خرده فروشی می تواند ورود فشارهای تورم به اقتصاد را نشان دهد و این با ارزیابی دیگر شاخصها می تواند مورد تصدیق قرار گیرد به خصوص شاخص قیمت مصرف کننده. هنگامیکه شاخص مخارج مصرف کننده افزایش می یابد بانک مرکزی معمولاً "نرخهای بهره را افزایش می دهد این کار باعث می شود تا هزینه پول قرض گرفته شده افزایش یافته و این کار باعث می شود تا مخارج مصرف کننده کاهش یابد.

شاخص نسبی خرده فروشی

در صد تغییر در شاخص تجاری خرده فروشی نسبت به دوره قبل را اندازه گیری نموده و تغییرات در ارزش کل کالاها و خدمات فروخته شده در هر ماه به صورت خرده فروشی را بیان می کند. به عنوان یک وسیله جهت اندازه گیری میزان مصرف که منجر به تورم می گردد مورد استفاده قرار می گیرد همچنین شاخص تجاری خرده فروشی باعث درک ضریب اطمینان مصرف کننده می شود. مخارج مصرف کننده یکی از مهمترین شاخصهایی است که به ضریب اطمینان مصرف کننده ها در اقتصاد اشاره دارد. هنگامیکه افراد ازماندن در سر کار خود مطمئن می گردند و شرایط اقتصادی مورد مطلوب آنهاست مخارج خرده فروشی افزایش می یابد. هنگامیکه ضریب اطمینان مصرف کننده پایین است مخارج خرده فروشی اولین جایی است که تحت تاثیر قرار می گیرد و به صورت کاهش در شاخص تجاری خرده فروشی خود را نمایان می سازد. در رابطه با تورم، افزایشهای متوالی در شاخص تجاری خرده فروشی می تواند ورود فشارهای تورم به اقتصاد را نشان دهد و این با ارزیابی دیگر شاخصها می تواند مورد تصدیق قرار گیرد به خصوص شاخص قیمت مصرف کننده. هنگامیکه شاخص مخارج مصرف کننده افزایش می یابد بانک مرکزی معمولاً "نرخهای بهره را افزایش می دهد این کار باعث می شود تا هزینه پول قرض گرفته شده افزایش یافته و این کار باعث می شود تا مخارج مصرف کننده کاهش یابد.

نرخ بهره پایه (بانک)

نرخ مبنا برای وام های بازرگانی در سیستم بانکداری ژاپن می باشد. نرخ بهره پایه یک اصطلاح عمومی بوده که توسط بسیاری از کشورها برای بهترین مشتریان رزرو می شود. دیگر نرخها به صورت نرخ بهره پایه بعلاوه ۲ یا ۳ بیان می شود و معنی آن اینست که این نرخ توسط نرخ بهره پایه جاری به علاوه ۲ یا ۳ امتیاز به ترتیب می باشد .

شاخص تولید بخش خدمات ژاپن

درصد تغییر در تولید صنایع معین شده داخلی را اندازه گیری می کند. این شاخص شامل تولیدات صادر شده نمی شود و فقط روی صنایعی که نیازهای داخلی را فراهم می کنند نیز متمرکز شده است. اطلاعات راجع به کلی فروشی ها و خرده فروشی ها در این شاخص گنجانده شده اند که در واقع بازخوردی است از خدمات مالی، مراقبتهای بهداشتی، املاک و مستغلات و برنامه های سودمند از قبیل سیستم نیروگاههای تولیدی انرژی هسته ای ژاپن.

شاخص نسبی تولید بخش خدمات ژاپن

درصد تغییر در تولید صنایع معین شده داخلی را اندازه گیری می کند. این شاخص شامل تولیدات صادر شده نمی شود و فقط روی صنایعی که نیازهای داخلی را فراهم می کنند نیز متمرکز شده است. اطلاعات راجع به کلی فروشی ها و خرده فروشی ها در این شاخص گنجانده شده اند که در واقع بازخوردی است از خدمات مالی، مراقبتهای بهداشتی، املاک و مستغلات و برنامه های سودمند از قبیل سیستم نیروگاههای تولیدی انرژی هسته ای ژاپن.

شاخص بهای کالاهای شرکتی داخلی

درصد تغییر در قیمت کالاهای خریداری شده و یا فروخته شده توسط شرکتهای ژاپن را اندازه گیری می نماید. این اطلاعات می تواند برای ارزیابی کل عرضه و تقاضای کالاهای خریداری شده و یا تولید شده برای بازار داخلی استفاده شود. شاخص بهای کالاهای شرکتی داخلی (DCGPI) قیمتهای به دست آمده توسط کالاهای خریداری شده و یا فروخته شده که از طریق شرکتهای داخلی انجام می شود را ارزیابی می کند. قیمتها اصولاً هنگامی که کالاها توسط تولیدکنندگان یا عمده فروش ها به مقصدی که شامل خرده فروشی های داخلی می شود حمل می گردد، حساب می شوند.

شاخص نسبی بهای کالاهای شرکتی داخلی

درصد تغییر در قیمت کالاهای خریداری شده و یا فروخته شده توسط شرکتهای ژاپن را اندازه گیری می نماید. این اطلاعات می تواند برای ارزیابی کل عرضه و تقاضای کالاهای خریداری شده و یا تولید شده برای بازار داخلی استفاده شود. شاخص بهای کالاهای شرکتی داخلی (DCGPI) قیمتهای به دست آمده توسط کالاهای خریداری شده و یا فروخته شده که از طریق شرکتهای داخلی انجام می شود را ارزیابی می کند. قیمتها اصولاً هنگامی که کالاها توسط تولیدکنندگان یا عمده فروش ها به مقصدی که شامل خرده فروشی های داخلی می شود حمل می گردد، حساب می شوند.

شاخص بهای مصرف کننده CPI

درصد تغییر در شاخص بهای مصرف کننده از گزارش دوره قبلی را اندازه گیری کرده و به عنوان یکی از موثرترین ابزار محاسبه تورم در اقتصاد کشور محسوب می گردد. CPI، تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید. در حالیکه تورم یک بخش مهم از رشد اقتصادی می باشد. اما تورم بیش از ۲٪ زیان آور است چراکه قدرت خرید توسط ارز ملی را پایین می آورد. هنگامیکه تورم بالاتر از ۱۱۲ می شود سرمایه گذاران ارز را رها کرده و به دنبال دیگر فرصتهای سرمایه گذاری می باشند.

شاخص نسبی بهای مصرف کننده (CPI نسبی)

در صد تغییر در شاخص اصلی بهای مصرف کننده را از دوره قبل اندازه گیری می کند CPI. تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید. هنگام محاسبه CPI اصلی اطلاعاتی که فرض می شود بی ثبات هستند برای جلوگیری از منحرف کردن نتایج نهایی حذف می گردند که این اطلاعات بی ثبات ممکن است تنها یک یا دو بخش را شامل شود. بهای غذا و انرژی شامل این محاسبات نمی شود اما دولت ژاپن انرژی را در محاسبه CPI اصلی به حساب می آورد. باتوجه به این نکته که ژاپن سومین کشور مصرف کننده نفت خام در جهان است و بسیار به واردات این محصول جهت رفع نیازهایش متکی است این بدان معناست که پرش های شدید و ناگهانی قیمت نفت خام می تواند یک تاثیر بسزایی روی شاخص بهای مصرف کننده ژاپن داشته باشد.

شاخص نسبی بهای مصرف کننده به استثنای نرخ اجاره مفروض

شاخص قیمت مصرف کننده اما بدون در نظر گرفتن هزینه اجاره مفروض را محاسبه می نماید. هزینه اجاره مفروض، یک مقدار مشخصی است که مالک جهت اشغال ملکی که در آن زندگی می کند در نظر می گیرد CPI. تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید. بدون در نظر گرفتن محاسبات مربوط به اجاره مفروض به حساب می آید به صورت تئوری اگر بخواهیم تعریف کنیم می گوئیم هزینه اجاره مفروض مربوط به ملکی شده که اکنون مالک در آن زندگی می کند و فرض می کند که اگر این ملک مال خودش نبود بایستی آن را پرداخت می کرد. این هزینه بر اساس نرخ اکنون بازار می باشد که برای اقامت در ملکی با همه مشخصات شبیه به ملک حاضر از جمله اندازه، محل، و ارزش محاسبه می گردد.

شاخص اصلی بهای مصرف کننده

در صد تغییر در شاخص اصلی بهای مصرف کننده را از دوره قبل اندازه گیری می کند CPI. تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید. هنگام محاسبه CPI اصلی اطلاعاتی که فرض می شود بی ثبات هستند برای جلوگیری از منحرف کردن نتایج نهایی حذف می گردند که این اطلاعات بی ثبات ممکن است تنها یک یا دو بخش را شامل شود. بهای غذا و انرژی شامل این محاسبات نمی شود اما دولت ژاپن انرژی را در محاسبه CPI اصلی به حساب می آورد. باتوجه به این نکته که ژاپن سومین کشور مصرف کننده نفت خام در جهان است و بسیار به واردات این محصول جهت رفع نیازهایش متکی است این بدان معناست که پرش های شدید و ناگهانی قیمت نفت خام می تواند یک تاثیر بسزایی روی شاخص بهای مصرف کننده ژاپن داشته باشد.

تراز تجاری

کل ارزش واردات و کل ارزش صادرات در یک دوره گزارش شده را با هم مقایسه می کند. ارزش منفی نشان می دهد که کالاها بیشتر وارد شده اند تا صادر (کسری تجاری)، برعکس، یک تراز تجاری مثبت به معنای آن است که صادرات از واردات پیشی گرفته (مازاد تجاری). این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز مورد استفاده قرار می گیرد که میزان تقاضا برای ارز را نشان می دهد. حالت مازاد تجاری یا کاهش کسری تجاری نسبت به ماه قبل به طور طبیعی نشان از آن دارد که کشورهای وارد کننده کالا بایستی ارز خود را به صورت ارز داخلی کشور عرضه کننده کالا در آورند. و این باعث افزایش تقاضا برای ارز داخلی شده که در نتیجه باعث افزایش ارزش آن می گردد. در حالت کسری تجاری یا روند کاهش دهنده مازاد تجاری، کشور وارد کننده بایستی بیشتر ارز خود را به ارز کشوری که از آنجا کالا خریداری می کند تبدیل کند. این عامل باعث افزایش عرضه ارز داخلی در بازار فارکس گشته که موجب می شود تا ارز داخلی ارزش خود را نسبت به دیگر ارز ها از دست بدهد.

حساب جاری

کل سرمایه ورودی جدید به کشور را نشان داده و به عنوان تراز تجاری (یعنی صادرات منهای واردات به علاوه پرداختهای خالص ورودی شامل بهره و سود سهام به علاوه تمام انتقالات یک جانبه شامل کمکهای خارجی و مالیاتها و هدایای یک طرفه) تلقی می شود. اگر عدد به دست آمده مثبت باشد، مازاد حساب جاری را و اگر منفی باشد کسری حساب جاری را نشان می دهد. توجه داشته باشید که کسری حساب جاری یعنی اینکه پول بیشتری به شکل صادرات و یا انتقالات دیگر نسبت به ورود آن به کشور، از کشور خارج شده است.

کانادا_آمار مشترک اقتصادی

نرخ هدف شبانه

نرخ هدف شبانه نرخ است که بانک کانادا هنگام پول قرض دادن به دیگر موسسه های مالی بر پایه نرخ شبانه مطالبه می کند. تغییرات این نرخ روی دیگر نرخ بهره ها از جمله وام های مشتری تاثیر می گذارد زیرا این نرخها موازی با دیگر نرخهای شبانه تغییر می کنند. نرخ هدف شبانه، نرخ بهره ای است که بانک کانادا برای نرخ شبانه در نظر می گیرد و هرگونه تغییر در این نرخ یک شاخص مشخصی از مسیری که سیاست پولی بانکی در پیش می گیرد می باشد. بانک برای تاثیر روی نرخ شبانه از اوراق قرضه اجرایی استفاده می کند که این شامل سه نوع نرخ می شود و تمام این نرخها از نصف یک درصد مشخص شده کمتر می باشد. نقطه میانی این اوراق قرضه در واقع همان نرخ هدف شبانه می باشد که یک چهارم درصد مشخصه از حداکثر نرخ اوراق قرضه (باند) بوده که این خود نیز نرخ جاری بانک می باشد. نرخ بانکی نرخ است که بانک کانادا برای وام های شبانه از موسسات مطالبه می کند. دیگر موسسات که وجوه شبانه قرض می دهند اگر بخواهند که به عنوان رقیب باقی بمانند باید طبق این نرخ عمل کنند. بنابراین بسیار مهم است که بانک کانادا روی تمام عملیات مربوط به وام های شبانه تاثیر بگذارد. حد پایین تراورق قرضه که یک چهارم درصد مشخص زیرنقطه میانی و یا نرخ هدف شبانه است نرخ است که بانک کانادا بابت سپرده های موسسه های مالی می پردازد. بانک همیشه نصف درصدی که برای نرخ شبانه در نظر گرفته می شود پرداخت می کند و آن با تغییر دادن نرخ هدف و توسعه حدهای بالا و پایین از اوراق قرضه اجرایی می باشد که بانک را قادر می سازد تا بتواند روی دیگر نرخهای بهره تاثیر بگذارد. سرمایه گذاران به نرخهای بهره توجه بسیار دارند چراکه افزایش در نرخهای بهره معمولا باعث رشد تقاضا برای دلار کانادا می گردد. این بدان خاطر است که سرمایه گذاران بازگشت بیشتری را به دلیل افزایش نرخ بهره از این ارز انتظار دارند.

اوراق قرضه اجرایی

بانک کانادا برای اداره نرخهای بهره در اقتصاد کانادا از اوراق قرضه اجرایی استفاده می کند که شامل نرخ هدف با حدود بالاتر و پایین تر می باشد که نشان دهنده نرخ مطالبه شده برای وام های شبانه و بهره پرداخت شده برای سپرده های نقدی می باشد. اوراق قرضه بانک کانادا شامل سه نرخ می باشد و تمام این نرخها از نصف یک درصد مشخص شده کمتر می باشد. نقطه میانی این اوراق قرضه در واقع همان نرخ هدف شبانه می باشد که یک چهارم درصد مشخصه از حداکثر نرخ اوراق قرضه (باند) بوده که این خود نیز نرخ جاری بانک می باشد. نرخ بانکی نرخ است که بانک کانادا برای وام های شبانه از موسسات مطالبه می کند. دیگر موسسات که وجوه شبانه قرض می دهند اگر بخواهند که به عنوان رقیب باقی بمانند باید طبق این نرخ عمل کنند. بنابراین بسیار مهم است که بانک کانادا روی تمام عملیات مربوط به وام های شبانه تاثیر بگذارد. حد پایین تراوراق قرضه که یک چهارم درصد مشخص زیرنقطه میانی و یا نرخ هدف شبانه است نرخ است که بانک کانادا بابت سپرده های موسسه های مالی می پردازد. بانک همیشه نصف درصدی که برای نرخ شبانه در نظر گرفته می شود پرداخت می کند و آن با تغییر دادن نرخ هدف و توسعه حدهای بالا و پایین از اوراق قرضه اجرایی می باشد که بانک را قادر می سازد تا بتواند روی دیگر نرخهای بهره تاثیر بگذارد. سرمایه گذاران به نرخهای بهره توجه بسیار دارند چراکه افزایش در نرخهای بهره معمولا باعث رشد تقاضا برای دلار کانادا می گردد. این بدان خاطر است که سرمایه گذاران بازگشت بیشتری را به دلیل افزایش نرخ بهره از این ارز انتظار دارند.

نرخ اصلی

نرخ که مشتریان مقدم موسسات وام دهنده باید پرداخت کنند. از آنجا که این مشتریان حداقل ریسک را عرضه می کنند، وام دهندگان می توانند بهترین نرخ بهره را به آنها ارائه دهند. افزایش نرخ بهره معمولا منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود چراکه سرمایه گذاران می توانند بازده بالاتری را وقتی نرخ بهره افزایش می یابد انتظار داشته باشند. نرخ اصلی در پاسخ به تغییرات در نرخ وجوه فدرال (نرخ که در آن بانک ها وجوهی را به هم قرض می دهند) نوسان می کنند و به طور معمول ۳ درصد امتیاز بالاتر از نرخ اعتبارات فدرال می باشد. نرخ اصلی یک نرخ تجاری است که بانکها آنرا برای عموم تبلیغ می کنند و سایر نرخهای بهره از قبیل وام های مسکن و وام خودرو بر اساس نرخ اصلی هستند و اغلب به عنوان "نرخ اصلی مازاد" یک درصد معین می باشد. از آنجا که این نرخها برای مشتریان تجاری تبلیغ می شود، بانک های بزرگ به طور معمول نرخهای بسیار شبیه ای را به منظور حفظ توان رقابتی ارائه می دهند.

نرخ بانکی

نرخ است که طبق آن بانک کانادا به موسسات مالی وجوه قرض می دهد. نرخ بانکی جزو لاینفک سیاست پولی بانک بوده و نرخ رایجی است که دیگر نرخهای بهره از آن گرفته می شوند. به خاطر اینکه نرخهای بهره تاثیر مستقیمی روی ارزش ارز در بازار فارکس دارند، سرمایه گذاران توجه ویژه ای به تغییرات نرخ بهره بانکی دارند.

متوسط نرخ شبانه REPO در کانادا

قرارداد های (REPO) شبانه توافقنامه هایی هستند که بر طبق آن وام های شبانه توسط اوراق بهادار تضمینی خزانه آمریکا تضمین می گردند. این اوراق توسط موسسه های مالی به دیگر موسسه هایی که به طور موقت با مازاد نقدینگی مواجه می باشند فروخته می شود و طبق آن فروشنده دوباره این اوراق را با قیمت توافق شده قبلی در روز بعد خریداری می نماید. نرخ REPO شبانه کانادا (CORRA) متوسط معاملات REPO های گزارش شده در بازار شبانه روزی می باشد. REPO های شبانه عمدتا توسط موسسه های مالی بزرگ که نیاز به پول نقد جهت اعمالی از قبیل پرداخت پایان روزی دارند مورد استفاده قرار می گیرند. معمولا این موسسات دارایی هایی دارند که به صورت انواع اوراق قرضه و تضمین نامه ها برای ارائه به موسسات دارنده مازاد پول نقد به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار می گیرد. عملا موسساتی که نیازمند به پول نقد هستند دارایی های همراه خود را به شرط آنکه با یک قیمت از پیش توافق شده دوباره بتوانند در روز بعد بخرند می فروشند. معمولا (CORPA) از نرخ بانکی پایین تر می باشد. برای خریدار REPO یک REPO شبانه وسیله ای است

برای فراهم کردن سرمایه مورد نیاز بدون آنکه خریدار مجبور باشد دارایی خود را به صورت نقد درآورد. در عوض این REPO یک مبلغی به صورت نرخ بهره توافقی نصیب خریدار می نماید چرا که این قرارداد خریدار را قادر می سازد تا با استفاده از مازاد پول خود یک بهره اضافی نصیبش گردد از آنکه بخواهد آنرا به صورت سپرده نزد بانک کانادا قرار دهد.

نرخ تامین مالی بازار پول شبانه

به نرخ متوسطی که موسسه های مالی می پردازند تا پول شبانه از موسسه هایی با مازاد وجه دریافت کنند گفته می شود. تغییرات این نرخ می تواند روی نرخهای بهره بانکی دیگر که بانکها برای وام های بازرگانی و یا بازده اوراق قرضه و دیگر اوراقها با درآمد ثابت می پردازند تاثیر بگذارد. نرخ بازار پول شبانه کانادا (CORRA) توسط موسسه های مالی استفاده می شود تا بتوانند از موسسه هایی با مازاد وجه پول قرض کرده و کمبود مالی خود را برطرف سازند (به ویژه برای پرداخت پایان روزی). نرخ مبنا برای بازار شبانه روزی نرخ بانکی شبانه پیشنهاد شده توسط بانک کانادا بوده اما موسسه ها آزاد هستند تا نرخهای خود را خود تنظیم کرده که به نوع اوراق مالی که در معاملات استفاده می شود و به همان اندازه به ریسکها و وثیقه های بکار برده شده برای وام بستگی دارد OMMFR. متوسط نرخهای گزارش شده توسط موسسه های شرکت کننده می باشد. متداولترین اوراق استفاده شده شامل رسیدهای سپرده مدت دار، قراردادهای REPO و وام های بانکی بدون وثیقه می باشد.

منحنی درآمد ثابت

تاریخ عودت ها برای اوراق قرضه را پی گیری می کند. بازده های اوراق قرضه یک رابطه معکوس با نرخهای بهره دارند و این بدان معناست همچنانکه نرخ بهره بالا می رود، ارزش اوراق قرضه معامله شده با نرخهای بهره ثابت در بازار ثانویه اوراق قرضه، کاسته می شود. یک ورق قرضه معادل با وامی است که صادر کننده ورق (قرض گیرنده) پولی را از نگهدارنده ورق (قرض دهنده) دریافت می کند. در عوض صادر کننده ورق موافقت می کند تا مقدار پول اصلی ورق را (سرمایه اصلی)، به علاوه بهره سند قرضه تا تاریخ سررسید تعیین شده بازگرداند. به خاطر اینکه اوراق قرضه یک نرخ بهره از پیش تعیین شده را پرداخت می کنند، به آنها اوراقی با سود ثابت گفته می شود. هنگامیکه نرخهای بهره افزایش پیدا می کند صادر کنندگان جدید اوراق قرضه بازده بالاتری را پرداخت می نمایند تا بتوانند با دیگر گزینه های سرمایه گذاری رقابت کنند. این بدان معناست که اوراق صادر شده قبل از بالا رفتن نرخ بهره و با پرداخت یک بازده پایین تر نسبت به اوراق منتشره جدید از ارزش کمتری نسبت به اوراق جدید برخوردار می باشند که این خود را در ارزش اوراق معامله شده در بازار ثانویه نشان می دهد. زیرا ارزش این اوراق رابطه تنگاتنگی با نرخ بهره در این روش دارد، بنابراین سفته بازان اوراق قرضه توجه ویژه ای به تغییرات نرخ های بهره دارند.

منحنی بازده

این منحنی، بازده ابزار درآمد ثابت گوناگون را نشان می دهد. شکل منحنی رابطه بین بازده مورد انتظار و زمان سر رسید را نشان می دهد. در کانادا، نرخ بانکی نرخ مرجع برای نرخهای بهره کوتاه مدت بوده و عایدی های صدور اوراق قرضه داخلی باعث تغییرات نرخ بانکی می شود. بازده اوراق قرضه بر پایه مدت زمان اوراق قرضه (یعنی بر اساس زمان سر رسید) و همچنین اعتبار صادر کننده آن می باشد. به منظور جذب سرمایه گذاران، صادر کنندگان اوراق قرضه غیر دولتی باید بازده بالاتری را پیشنهاد دهند چراکه این اوراق ریسک بیشتری نسبت به اوراق قرضه با پشتوانه دولتی دارند و سرمایه گذاران انتظار نوعی حق بیمه در ازای پذیرش این ریسک اضافی را دارند. همچنین اوراق قرضه بلند مدت در معرض خطر از دست دادن ارزش خود از طریق کاهش اسپرد نقدینگی هستند. این اصطلاح اشاره به اختلاف بین بازده و نرخ بهره کوتاه مدت دارد. همانطور که نرخ بهره افزایش پیدا می کند، بازده یک اوراق قرضه ارزش کمتری پیدا می کند چراکه به اندازه کافی بالا نمی باشد که نرخ بهره در حال افزایش را جبران کند، که موجب کاهش ارزش واقعی بازده میشود. اگر نرخ بهره کوتاه مدت تا بالای منحنی بازده افزایش پیدا کند، در واقع سرمایه گذار دارای یک اسپرد نقدینگی منفی هستند.

منحنی بازده نرمال

اصطلاح منحنی بازده "نرمال" منحنی می باشد که به صورت مقعر به سمت بالا می باشد. این نشان دهنده افزایش بازده (محور طولی) بر حسب افزایش زمان سرسید (محور عرضی) می باشد. این مطابق نظریه APT است که می گوید هرچقدر مدت سر رسید طولانی تر باشد، بازده افزایش می یابد. این رویکرد باعث تشویق سرمایه گذارانی که مایل به نگه داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطراتی که پیشتر گفته شد، می باشند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساسا بازده برای تمامی سر رسیدهها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای دراز مدت پابرجا باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت مالکیت شرکت های تولید کالا برای تولید کالا استفاده می شود -- به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. این نمودار درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی را از سه ماهه قبل را نشان می دهد. افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان میدهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار

انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامی که ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این مقداری می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان را قادر می سازد که تعیین کنند که آیا اقتصاد در یک بازه زمانی افزایش داشته است یا کاهش. ارقام تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند، معمولاً به عنوان میزان تولید ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

بررسی نیروی کار

بررسی ماهیانه که یک تصویری از نرخهای استخدام در حال حاضر، میزان ساعتهای کار شده، و از کارافتادگی در یک بخش را نشان می دهد. افزایش استخدام به عنوان یک شاخص مثبت نشان دهنده یک توسعه اقتصادی قوی که فرصتهای استخدامی فراهم کرده و ثروت مازاد برای آن دسته از افرادی که تقاضای دلار دارند را فراهم می آورد. اداره آمار کانادا بررسی ماهیانه نیروی کار را در دستور خود قرار داده و آن را برای حدوداً ۶۰۰۰۰ خانوار اجرا کرده تا یک ارزیابی دقیق از سطح استخدام در داخل کشور را کسب کند LFS. اطلاعات استخدام را به بخشهای گوناگون شامل دستمزدهای متوسط و ساعات کار متوسط تقسیم بندی می کند. این بررسی حدوداً نزدیک به پانزدهم هر ماه صورت می گیرد هدف اصلی LFS این است که تمام کانداییهایی را که در سن کار هستند در یکی از سه تا طبقه بندی قرار دهند: استخدام شده، استخدام نشده، مشغول به کار نبوده یا به دنبال کار نیستند.

نرخ بیکاری

درصد افرادی که آمادگی لازم برای انجام کار را داشته (یعنی آنهایی که در سن کار هستند) و در حال حاضر به دنبال آن هستند که استخدام شوند اما قادر نیستند که این موقعیت را فراهم کنند. بر طبق این محاسبه، بیکاربه کسانی گفته می شوند که فعالانه به دنبال استخدام هستند و آنهایی که به دلایلی در جستجوی کار نیستند نیز به حساب نمی آیند. افزایش بیکاری به عنوان یک شاخص منفی محسوب می گردد زیرا تقاضای افراد بیکار برای کالا و خدمات کاهش می یابد. تاثیر بارز افزایش جمعیت، کاهش مخارج مصرف کننده می باشد زیرا مساعدات افراد بیکار از دستمزد آنان زمانی که مشغول به کار بودن کمتر می باشد و کاهش در مخارج سریعترین پاسخ خانوارهای دچار شده می باشد. علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد. در کانادا، اکثر افراد بیکار که شغل خود را از دست داده اند مشمول پرداخت بیمه اشتغال می گردند. این تعداد به هر حال برابر با تعداد افراد بیکار داخل کشور نیست چرا که همه بیکاران مشمول این بیمه نمی گردند. بعضی افراد از جمله آنهایی که کشور مادری خود را ترک کرده اند و یا کارگران استخدام شده فصلی انتظار می روند که به کار قبلی خود برگردند.

خرده فروشی ها

بازخورد هزینه های مصرف کننده را ارائه می دهد و یکی از اولین گزارشهای فروش موجود در هر ماه می باشد. تنها به طور انحصاری هزینه کالاهای مصرفی را دنبال می کند و شامل هزینه های خدمات از قبیل مراقبت های بهداشتی و آموزش و پرورش نمی شود. افزایش شاخص خرده فروشی دارای اثر مثبت بر روی ارز می باشد چراکه رشد اقتصاد کشور را نشان می دهد. گزارش خرده فروشی بدون در نظر گرفتن نرخ تورم منتشر می شود ، بنابراین برای دریافت اندازه درست تغییر واقعی هزینه های خرده فروشی ، شما باید نرخ تورم را نیز در نظر بگیرید. تغییرات قابل ملاحظه در گزارش خرده فروشی حتی پس از انتشار آن غیر معمول نمی باشد چراکه تدوین اطلاعات دقیق و کامل داده های خرده فروشی می تواند بسیار دشوار باشد .

شاخص خرده فروشی اصلی

گزارش خرده فروشی اصلی همان اطلاعات گزارش خرده فروشی را ارائه می دهد، اما تعمداً شامل هزینه های مربوط به وسایل نقلیه از جمله فروش اتومبیل های جدید و خرید بنزین نمی شود. افزایش میزان خرده فروشی اصلی دارای یک اثر مثبت روی دلار می باشد و رشد اقتصادی را نشان می دهد. گزارش خرده فروشی بدون در نظر گرفتن نرخ تورم منتشر می شود ، بنابراین برای دریافت اندازه درست تغییر واقعی هزینه های خرده فروشی ، شما باید نرخ تورم را نیز در نظر بگیرید. تغییرات قابل ملاحظه در گزارش خرده فروشی حتی پس از انتشار آن غیر معمول نمی باشد چراکه تدوین اطلاعات دقیق و کامل داده های خرده فروشی می تواند بسیار دشوار باشد .

شروع مسکن سازی

گزارش شروع مسکن سازی تعداد خانه های خصوصی تازه ای را نشان می دهد که شروع به ساخت و ساز آنها در طول دوره گزارش دهی آغاز شده است. گزارش شروع مسکن سازی به عنوان یکی از شاخص های دقیق سلامت کلی اقتصاد شناخته می شود و همچنین اطلاعات زیادی در مورد سطح ضریب اطمینان عمومی برای آینده اقتصادی خودشان را ارائه می دهد. خانه های جدید به احتمال زیاد بزرگترین سرمایه گذاری افراد خواهد بود ، و اکثر خریداران خانه جدید نیاز به وامهای بلند مدت به منظور خرید خانه های خود دارند. اگر شاخص شروع مسکن سازی در حال افزایش باشد ، این نشانه ای مطمئن است که پول کافی در نظام مالی برای بودجه طرحهای توسعه جدید وجود دارد. همچنین نشان می دهد که مردم ضریب اطمینان لازم برای دریافت وام های مسکن دارند چراکه آنها احساس میکنند که قادر به حفظ پرداخت مورد نیاز هستند. از طرف دیگر، اگر شاخص شروع مسکن سازی کاهش داشته باشد، نشان دهنده کاهش تقاضا برای خانه های جدید می باشد و این معمولاً به عنوان یک نشانه -- یا تایید -- کاهش رشد اقتصادی تفسیر می شود. صنعت مسکن یکی از بزرگترین کارفرمایان مستقیم کشور می باشد و همچنین از بسیاری از صنایع که به فروش خانه ها برای رونق کسب و کار شان احتیاج دارند پشتیبانی می کند. بنابراین همیشه نگرانی در مورد افت شاخص شروع مسکن سازی وجود داشته و باعث کاهش ارزش دلار می گردد.

شاخص خرید مدیران

این شاخص میزان پیش بینی بخش تولید کشور را برآورد کرده و با اعلام ماهیانه تغییرات خرید توسط کارخانجات کشور کانادا ، رشد اقتصادی را پیش بینی می نماید. ارزش ۵۰ افزایش در خرید را نشان می دهد در حالیکه ارزش زیر ۵۰ نشان دهنده کاهش در خرید می باشد. اجرای یک نمونه از آن بازخور دی را روی خرید فراهم میکند و نشان می دهد که آیا سطح خرید افزایش داشته یا کاهش و یا بدون تغییر نسبت به ماه قبل مانده است. قضیه ثابت شده در مورد PMI آن است همانطور که فروش بالا می رود مدیران خرید بایستی مواد اولیه اضافی خریداری کرده تا بتوانند کالاهای تمام شده بیشتری را تولید کنند. افزایش در PMI همچنین ضریب اطمینان برای اقتصاد بوده طوریکه تولید اضافی نشان دهنده ظرفیت بالاتر در اقتصاد بوده و شرکتها تمایل دارند که تنها در صورت اطمینان از وجود تقاضای مستمر برای محصولاتشان مخارج خود را بالا ببرند. مشابه هر اندیکاتور تولید و فروش CPI ، شاخص خرده فروشی و غیره یک

افزایش شدید در PMI ممکن است یک هشدار برای افزایش در تورم باشد. بر خلاف این، یک شاخص PMI بالاتر به عنوان یک فاکتور مثبت برای اقتصاد محسوب می شود و معمولاً تقاضای مستمر را برای دلار ساپورت می کند .

شاخص بهای تولید کننده

تغییر بهای کالاهای فروخته شده توسط تولیدکنندگان را مورد سنجش قرار می دهد که شاخص پایه آن از ۱۰۰ محسوب می گردد. بر خلاف ارقام خرده فروشی PPI شامل مالیات یا هر نوع مبالغ مربوط به پخش یا حمل که معمولاً به محصولات در زنجیره تأمین اضافه می شوند نمی گردد . افزایش در شاخص PPI نشان دهنده یک اقتصاد در حال توسعه با اطمینان منطقی از ادامه استخدام افراد مشغول به کار در بخش تولید می باشد PPI. یک شاخص بسیار مهم در بازار می باشد که به عنوان نشان دهنده سطوح تورم مورد توجه قرار می گیرد. شبیه به دیگر شاخصها که بر پایه تورم بنا شده اند افزایش در PPI نشان می دهد که افزایش نرخ بهره قصد دارد که با تورم مبارزه کند. وجود احتمالی افزایش نرخ بهره ممکن است باعث تقاضا برای ارز به عنوان مقوله سرمایه گذاری تلقی شود که سرمایه گذاران انتظار دارند در حالت افزایش نرخ بهره عودت آن نیز افزایش یابد.

شاخص اصلی بهای تولید کننده

بر اساس شاخص بهای تولید کننده بوده ولی این شاخص آیتم های بی ثبات از قبیل انرژی و غذا که می توانند آمار PPI را منحرف کنند همچنین نوسانات در قیمت نفت به طور موقت و یا دیگر رویدادهای غیر قابل پیش بینی را شامل نمی شود. با حذف کردن این آیتم ها که اغلب باعث انحراف در آمار تورم می شود شاخص PPI اصلی به عنوان یک وسیله قابل اعتماد تر برای پیش بینی تورم نسبت به شاخص PPI می باشد.

شاخص اصلی بهای مصرف کننده

شاخص CPI اصلی هم به روش مشابه با CPI محاسبه می گردد به جز اینکه آیتم هایی با نوسان بالا از قبیل انرژی و غذا را شامل نمی گردد. زیرا اینگونه آیتم ها در مقابل نوسانات قیمتی آسیب پذیر هستند بنابراین می توانند باعث انحراف در محاسبه CPI گردند. برای همین شاخص CPI اصلی به عنوان شاخص دقیق تر برای تورم در نظر گرفته می شود.

شاخص بهای مصرف کننده

CPI یکی از تاثیرگذارترین شاخص ها روی تورم کنونی در یک اقتصاد محسوب می گردد. هنگامی که تورم بالا موجب نگرانی می شود، سرمایه گذاران ارز را رها کرده و به دنبال راههای دیگری برای سرمایه گذاری می روند که این عمل باعث کاهش تقاضا برای ارز دلار در بازار فارکس می گردد. تورم برای یک اقتصاد در حال رشد لام می باشد اما عبور آن از ۲٪ مضربهده چراکه از قدرت خرید دلار می کاهد. CPI تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید.

حساب جاری

کل سرمایه ورودی جدید به کشور را نشان داده و به عنوان تراز تجاری (یعنی صادرات منهای واردات به علاوه پرداختهای خالص ورودی شامل بهره و سود سهام به علاوه تمام انتقالات یک جانبه شامل کمکهای خارجی و مالیاتها و هدایای یک طرفه) تلقی می شود. اگر عدد به دست آمده مثبت باشد، مازاد حساب جاری را و اگر منفی باشد کسری حساب جاری را نشان می دهد. توجه داشته باشید که کسری حساب جاری یعنی اینکه پول بیشتری به شکل صادرات و یا انتقالات دیگر نسبت به ورود آن به کشور، از کشور خارج شده است.

تراز تجاری

کل ارزش واردات و کل ارزش صادرات در یک دوره گزارش شده را با هم مقایسه می کند. ارزش منفی نشان می دهد که کالاها بیشتر وارد شده اند تا صادر (کسری تجاری)، برعکس، یک تراز تجاری مثبت به معنای آن است که صادرات از واردات پیشی گرفته (مازاد تجاری). این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز مورد استفاده قرار می گیرد که میزان تقاضا برای دلار را نشان می دهد. حالت مازاد تجاری یا کاهش کسری تجاری نسبت به ماه قبل به طور طبیعی نشان از آن دارد که کشورهای وارد کننده کالا بایستی ارز خود را به صورت ارز داخلی کشور عرضه کننده کالا در آورند. و این باعث افزایش تقاضا برای ارز داخلی شده که در نتیجه باعث افزایش ارزش آن می گردد.

در حالت کسری تجاری یا روند کاهش دهنده مازاد تجاری، کشور وارد کننده بایستی بیشتر ارز خود را به ارز کشوری که از آنجا کالا خریداری می کند تبدیل کند. این عامل باعث افزایش عرضه ارز داخلی در بازار فارکس گشته که موجب می شود تا ارز داخلی ارزش خود را نسبت به دیگر ارز ها از دست بدهد.

استرالیا _ آمار مشترک اقتصادی

نرخ بهره رسمی

نرخ است که موسسه های مالی از دیگر موسسه ها برای وام های شبانه در سیستم بانکداری استرالیا مطالبه می نمایند. نرخ بهره رسمی، نرخ رایج اساسی بوده و تغییر در آن بر روی نرخهای بهره دیگر شامل نرخ های بازرگانی بانکی تاثیر می گذارد و نرخ است که دولت برای شرایط کنونی اقتصادی در نظر می گیرد. هیئت مدیره بانک استرالیا (RBA) بعد از مشخص کردن سیاست پولی که قصد دارد دنبال نماید در مورد هدف مشخص نرخ بهره تصمیم می گیرد نرخ بهره واقعی بانکی در نتیجه میزان تقاضا و عرضه و میزان وجوه در تسهیلات وام شبانه می باشد. وام دهندگان شخصی در تعیین میزان نرخ بهره پول خود آزاد هستند اما اگر بخواهند در بازار به صورت رقیب بمانند نرخ وام خود را با اندکی تغییر نسبت به دیگر وام دهندگان تعیین می نمایند RBA. نرخ بهره را به طور مستقیم تحمیل نمی کند بلکه با توجه به میزان فعالیت بازار آزاد در مورد نرخ بهره تصمیم می گیرد. این به نوبه خود باعث نشد اقتصاد از طریق سیستم بانکداری کل می گردد. طوریکه افزایش در نرخ بهره معمولا منجر به افزایش در دیگر نرخ بهره ها در اقتصاد می شود. استفاده RBA از عملکردهای بازار آزاد شامل اجرای کنترل روی تهیه وجوه استفاده شده توسط بانکها و موسسه های مالی جهت تبادلات تعیین شده بین آنها می باشد. این وجوه نزد بانک مرکزی تحت عنوان وجوه واریزی مبادله شده نگه داشته می شود. اگر RBA تعیین کند که جهت کاهش نرخ بهره لازم است که سیاستی در پیش گرفته شود آنگاه بانک ذخیره وجوه را افزایش داده تا اینکه بانکها از وجوه اشباع شوند با تهیه وجوه واریزی مبادله شده که بیشتر از خواسته بانکهای تجاری می باشد آنها را متمایل می کند تا میزان پولی که به صورت وام در اختیار بازار قرار می دهند را افزایش داده و به این صورت از میزان وجه ذخیره شده نیز بکاهند این افزایش در میزان ذخیره پول منجر به کاهش در نرخ بهره گشته زیرا قرض دهندگان مایلند که به منظور جذب قرض گیرندگان نرخهای بهره کمتری را نسبت به دیگر

قرض دهندگان پیشنهاد نمایند. از طرف دیگر اگر بانک مرکزی بخواهد که نرخ بهره را افزایش دهد، شاید بخواهد با نگرانی ها در مورد افزایش تورم مقابله کند. اقدام به کاهش وجوه می نماید. این منجر به افزایش بیشتر نرخهای وام می گردد (یعنی نرخ بهره) و زمانیکه موسسه های مالی به یکدیگر وجوه شبانه قرض می دهند این افزایش هزینه به صورت افزایش در نرخهای بازرگانی نمایان گشته و موجب تشکیل نشست بانک مرکزی به منظور افزایش در نرخهای بهره می شود. نتیجه مورد انتظار این است که مصرف کنندگان و صاحبان مشاغل خرید های عمده خود را به تعویق انداخته به این امید که نرخهای بهره کاهش پیدا خواهد کرد در نتیجه آن مخارج کاهش پیدا کرده که خود موجب آزاد شدن فشار تورم می گردد.

نرخ سود متغیر شبانه

سودی است که طبق سود سهام تولید شده توسط دو طرف (LEG) توافق نامه رد و بدل می شود. یک طرف معامله روی پرداخت نرخ بهره ثابت برای یک مقدار مشخص به جای پرداخت برای همین مقدار مشخص اما به صورت نرخ شناور بر اساس نرخ بهره شبانه استرالیا، توافق می کند. نرخ سود متغیر شبانه بر اساس مفهوم نرخ سود متغیر شبانه در جاییکه دو طرف روی یک نرخ بهره متعلقه (جمع شده) و طبق یک مقدار توافق شده (همان سرمایه اصلی) در عوض نرخ بهره ثابت در یک مقدار مشخص زمانی با یکدیگر توافق می کنند. هر کدام از طرفین به عنوان یک (LEG پایه) شناخته می شوند که یکی از پایه ها وابسته به عایدی بازار شناور بوده (در این مورد نرخ بهره شبانه بانک مرکزی استرالیا می باشد) حال آنکه دیگر پایه وابسته به نرخ ثابت توافق شده می باشد. نرخ سود متغیر شبانه عموماً کوتاه مدت می باشند که بین ۱ هفته تا کمتر از یک سال می باشد. نرخ سود متغیر معمولی برای یک مدت زمان پیوسته بوده در حالیکه نرخ سود متغیر شبانه برای مدت زمانی است که سررسید توافق نامه فرا می رسد. نرخ سود متغیر شبانه توسط موسسه های مالی به عنوان وسیله ای است که تغییرات در نرخ بهره شبانه را محدود می کند و می تواند تضمینی باشد برای بازگشت سرمایه اصلی که به صورت سهام و یا معاملات سلف در توافق نامه نرخ سود متغیر می باشد. نرخ سود متغیر در این روش به طور قابل توجه ای از میزان ریسک نسبت به سرمایه اصلی تبادل شده می کاهد.

منحنی بازده

این منحنی، بازده ابزار درآمد ثابت را نشان می دهد. شکل منحنی رابطه بین بازده مورد انتظار و زمان سر رسید را نشان می دهد. بازده اوراق قرضه بر پایه مدت زمان اوراق قرضه (یعنی بر اساس زمان سر رسید) و همچنین اعتبار صادر کننده آن می باشد. به منظور جذب سرمایه گذاران، صادرکنندگان اوراق قرضه غیر دولتی باید بازده بالاتری را پیشنهاد دهند چراکه این اوراق ریسک بیشتری نسبت به اوراق قرضه با پشتوانه دولتی دارند و سرمایه گذاران انتظار نوعی حق بیمه در ازای پذیرش این ریسک اضافی را دارند. همچنین اوراق قرضه بلند مدت در معرض خطر از دست دادن ارزش خود از طریق کاهش اسپرد نقدینگی هستند. این اصطلاح اشاره به اختلاف بین بازده و نرخ بهره کوتاه مدت دارد. همانطور که نرخ بهره افزایش پیدا می کند، بازده یک اوراق قرضه ارزش کمتری پیدا می کند چراکه به اندازه کافی بالا نمی باشد که نرخ بهره در حال افزایش را جبران کند، که موجب کاهش ارزش واقعی بازده میشود. اگر نرخ بهره کوتاه مدت تا بالای منحنی بازده افزایش پیدا کند، در واقع سرمایه گذار دارای یک اسپرد نقدینگی منفی هستند.

منحنی بازده نرمال

اصطلاح منحنی بازده "نرمال" منحنی می باشد که به صورت مقعر به سمت بالا می باشد. این نشان دهنده افزایش بازده (محور طولی) بر حسب افزایش زمان سر رسید (محور عرض ها) می باشد. این مطابق نظریه APT است که می گوید هرچقدر مدت سر رسید طولانی تر باشد، بازده افزایش می یابد. این رویکرد باعث تشویق سرمایه گذارانی که مایل به نگه داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطراتی که پیشتر گفته شد، می باشند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساساً بازده برای تمامی سر رسیدها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای دراز مدت پابرجا باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت مالکیت شرکت های تولید کالا برای تولید کالا استفاده می شود - به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان میدهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامی که ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این مقداری می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان را قادر می سازد که تعیین کنند که آیا اقتصاد در یک بازه زمانی افزایش داشته است یا

کاهش. ارقام تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند ، معمولاً به عنوان میزان تولید ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت مالکیت شرکت های تولید کالا برای تولید کالا استفاده می شود - به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان می دهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

خرده فروشی

گزارش خرده فروشی باز خوردی از کل ارزش کالاها و خدمات فروخته شده به طور مستقیم به مصرف کنندگان را ارائه می دهد. این یکی از اولین شاخص هایی است که هر ماه قابل دسترس بوده و رفتارهای مخارج را پیگیری می کند. افزایش در خرده فروشی به عنوان یک شاخص رشد در اقتصاد محسوب شده و تمایل دارد که از ارزش دلار استرالیا در بازارهای ارز حمایت کند. گزارش خرده فروشی شامل تفکیک فروش ها در بخش های مختلف بوده و هر ماه تولید می شود. روند رو به افزایش به عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی می باشد و نشان می دهد که تقاضای مشتری قوی باقی می ماند که این خود نشان دهنده آن است که مشتریان در مورد افزایش هزینه های خود راجع به خرده فروشی اطمینان داشته و بدون هیچ ریسکی قادرند نیازهای اولیه از قبیل غذا و پناهگاه را فراهم آورند. انتظار می رود که دلار بتواند با گزارش مثبت خرده فروشی ارزش خود را حفظ کرده و یا آنرا افزایش دهد. افزایش چشمگیر در مخارج خرده فروشی طی یک دوره کوتاه می تواند علامتی از توسعه اقتصادی بوده تا جاییکه نگرانی هایی را بابت تورم به وجود آورد. برای مبارزه با آن دولت معمولاً سیاست پولی سختگیرانه تری را با بالا بردن نرخهای بهره در پیش می گیرد که این کار باعث می شود تا هزینه های مربوط به قرض پول افزایش یافته و در نتیجه مخارج نیز تعدیل گردد. نرخ بهره های بالاتر یعنی برگشت های بالاتر توسط ارز داخلی، بنابراین سرمایه گذاران اغلب سهام خود را در ارزهایی با بهره های بالاتر افزایش می دهند و بدینوسیله تقاضا برای ارز دلار افزایش می یابد. علاوه بر تاثیر مشخصی که افزایش خرده فروشی ها می تواند روی اقتصاد داشته باشد این بخش در استرالیا بیشترین نیروی کاری را شامل می گردد. نتایج قوی خرده فروشی نشان می دهد که نه تنها سطوح استخدامی جاری ساپورت شده بلکه شاید موقعیتهای جدیدی برای استخدام به وجود آید.

شاخص بهای مصرف کننده

شاخص بهای مصرف کننده (CPI) به عنوان یکی از موثر ترین شاخص ها برای نشان دادن وضعیت تورم در اقتصاد می باشد. اگر اقتصاد در حال رشد باشد تورم اجتناب ناپذیر است ، اما نرخ تورم بیش از ۲ درصد به طور کلی مخرب می باشد چراکه نشان دهنده تضعیف قدرت خرید دلار می باشد. هنگامی که تورم بالا باعث نگرانی می شود، سرمایه گذاران ارز را به منظور جستجوی سایر گزینه های سرمایه گذاری رها می کنند بنابراین باعث کاهش تقاضا برای ارزی می شوند. شاخص تورم مصرف کننده (CPI) یک تجزیه و تحلیل از سطح مخارج مصرف کننده برای خرید یک مجموعه از سبد کالاها و خدمات می باشد و بر اساس مقدار شاخص شروع

از ۱۰۰ ارزیابی می شود. اگر شاخص تورم مصرف کننده برای دوره جاری ۱۱۲ باشد ، نشان دهنده این است که در حال حاضر برای خرید سبد کالا ۱۲ درصد بیشتر از زمانی که شاخص ۱۰۰ بود باید پرداخت شود. با مقایسه داده های ماهانه شاخص تورم مصرف کننده ، شما به آسانی می توانید تغییرات در قدرت خرید مصرف کننده از ماهی به ماه دیگر را تشخیص دهید.

شاخص اصلی بهای مصرف کننده

این شاخص بر اساس شاخص بهای مصرف کننده بوده اما اقلام با نوسانات بالا مانند انرژی و مواد غذایی در محاسبه لحاظ نمی شوند. از آنجا که این محصولات نسبت به نوسانات قیمت به طور چشمگیری آسیب پذیر هستند ، می توانند به یک انحراف در محاسبه شاخص بهای مصرف کننده منجر شوند. به همین دلیل ، شاخص بهای مصرف کننده اصلی در اندازه گیری دقیق تر تورم لحاظ می شود .

شاخص بهای تولید کننده

تغییر بهای کالاهای فروخته شده توسط تولیدکنندگان را مورد سنجش قرار می دهد که شاخص پایه آن از ۱۰۰ محسوب می گردد. بر خلاف ارقام خرده فروشی PPI شامل مالیات یا هر نوع مبالغ مربوط به پخش یا حمل که معمولاً به محصولات در زنجیره تامینی اضافه می شوند نمی گردد . افزایش در شاخص PPI نشان دهنده یک اقتصاد در حال توسعه با اطمینان منطقی از ادامه استخدام افراد مشغول به کار در بخش تولید می باشد PPI. یک شاخص بسیار مهم در بازار می باشد که به عنوان نشان دهنده سطوح تورم مورد توجه قرار می گیرد. شبیه به دیگر شاخصها که بر پایه تورم بنا شده اند افزایش در PPI نشان می دهد که افزایش نرخ بهره قصد دارد که با تورم مبارزه کند. وجود احتمالی افزایش نرخ بهره ممکن است باعث تقاضا برای ارز به عنوان مقوله سرمایه گذاری تلقی شود که سرمایه گذاران انتظار دارند در حالت افزایش نرخ بهره عودت آن نیز افزایش یابد.

شاخص استخدام

تغییرات در سطوح استخدام بین دوره های گزارش متوالی را اندازه گیری می کند. کاهش این شاخص به عنوان یک عامل منفی محسوب می شود زیرا فقدان شغل معمولاً توسط کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات ایجاد می شود. تاثیر واضح کاهش استخدام، کاهش هزینه های مصرف کننده می باشد چراکه مزایای بیکاری دستمزد کارگران را به طور کامل پوشش نمی دهد و بنابراین واکنش فوری خانوارهای آسیب دیده، کاهش در هزینه ها می باشد. به این موضوع این واقعیت را نیز اضافه کنید که کارگرانی که در حال حاضر شاغل هستند اما احساس آسیب پذیری نسبت به ادامه شغل خود دارند، به طور معمول هزینه ها خود را به منظور افزایش پس انداز برای زمان از دست دادن شغل کاهش می دهند. این عمل هزینه های مصرف کننده را بیشتر کاهش می دهد و در واقع می تواند موجب تحریک درآخراج کارکنان شود.

تغییر شاخص استخدام

تغییرات در میزان استخدام به صورت ماه به ماه را پی گیری می نماید افزایش شاخص استخدام نشان از رشد اقتصادی داشته و باعث می گردد تا میزان مخارج مصرف کننده بالا برود. همانطور که استخدام افزایش می یابد تورم در پی آن به صورت یک نگرانی تبدیل شده چراکه مخارج مصرف کننده به احتمال فراوان بالا می رود. به منظور جلوگیری از تورم بانکهای مرکزی معمولاً نرخهای بهره را بالا برده و در نتیجه باعث می شوند تا هزینه پول قرض گرفته شده برای خریدهای عمده افزایش یافته که این عامل تهدید تورم را کاهش می دهد. همچنین باعث می شود تا ارزش ارز در برابر دیگر ارزها بالاتر رفته و تمایل سرمایه گذاران برای نگه داشتن آن به امید یک بازگشت بالاتر بیشتر شود .

نرخ بیکاری

درصد افرادی که آمادگی لازم برای انجام کار را داشته و در حال حاضر به دنبال آن هستند که استخدام شوند اما قادر نیستند که این موقعیت را فراهم کنند. افزایش بیکاری به عنوان یک فاکتور منفی محسوب می شود که حاکی از احتمال کاهش در مخارج مصرف کننده می باشد. براساس این گزارش، اصطلاح بیکار به اشخاصی که در طی دوره این بررسی، در سن کار بوده ولی هیچ گونه دستمزدی برای فعالیتهای خود چه به صورت شغل آزاد و چه به صورت دیگر نداشته اند، گفته می شود. همچنین باید در نظر داشت که این بررسی برای افرادی است که در جامعه حضور داشته و فعالانه به دنبال استخدام بوده اند منظور می شود.

دانش آموزان و خانه داران هم اگر مانند دیگر افراد جامعه که به صورت تمام وقت مشغول به کار هستند و شامل شرایط گفته شده در بالا می باشند، در آن صورت شاغل محسوب می شوند در غیر اینصورت اگر فقط کاری را انجام می دهند که در مقابل دستمزدی دریافت کنند باز هم به عنوان بیکار محسوب می شوند. مثلاً اگر یک دانش آموزی که هم اکنون در سن کار می باشد ولی هنوز استخدام نشده است و در پی کار می باشد بیکار به حساب می آید. تاثیر آشکار افزایش بیکاری بر کاهش میزان هزینه مصرف کننده بر همه کس روشن است، چرا که کاهش در دستمزد باعث این رویداد می گردد. علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد.

تغییر نرخ بیکاری

تغییرات در میزان نرخ بیکاری را به صورت ماه به ماه اندازه گیری می نماید. افزایش این شاخص به عنوان یک عامل منفی محسوب شده که باعث کاهش مخارج مصرف کننده می گردد همچنین کارگرانی که در حال حاضر شاغل هستند اما احساس آسیب پذیری نسبت به ادامه شغل خود دارند، به طور معمول هزینه های خود را به منظور افزایش پس انداز کاهش می دهند. به خاطر همین دلایل، سطوح استخدام به عنوان یک اندیکاتور مهم در نظر گرفته می شوند.

شاخص بهای مزد

تغییرات درمزدها را اندازه گیری کرده و هر سه ماه یکبار منتشر می گردد و مانند شاخص سالیانه به عنوان یک شاخص محسوب می گردد. به عنوان وسیله ای برای نشان دادن میزان هزینه های پرداخت شده به کارمندان توسط کارفرمایان به کار گرفته می شود. اداره آمار استرالیا (ABS) برای هر سه ماه یک شاخص مجزا از قیمت (بهای) (مزد ارائه می دهد. اما آن شاخصی که از همه دقیق تر مورد بررسی قرار گرفته گزارشی از مقدار پول پرداخت شده معادل با ساعات کاری انجام شده بدون در نظر گرفتن پاداشها و یا پرداختهای مربوط به میزان کارایی ارائه می دهد.

تراز تجاری

کل ارزش واردات و کل ارزش صادرات در یک دوره گزارش شده را با هم مقایسه می کند. ارزش منفی نشان می دهد که کالاها بیشتر وارد شده اند تا صادر (کسری تجاری)، برعکس، یک تراز تجاری مثبت به معنای آن است که صادرات از واردات پیشی گرفته (مازاد تجاری). این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز مورد استفاده قرار می گیرد که میزان تقاضا برای دلار را نشان می دهد. حالت مازاد تجاری یا کاهش کسری تجاری نسبت به ماه قبل به طور طبیعی نشان از آن دارد که کشورهای وارد کننده کالا بایستی ارز خود را به صورت ارز داخلی کشور عرضه کننده کالا در آورند. و این باعث افزایش تقاضا برای ارز داخلی شده که در نتیجه باعث افزایش ارزش آن

می گردد. در حالت کسری تجاری یا روند کاهش دهنده مازاد تجاری، کشور وارد کننده بایستی بیشتر ارز خود را به ارز کشوری که از آنجا کالا خریداری می کند تبدیل کند. این عامل باعث افزایش عرضه ارز داخلی در بازار فارکس گشته که موجب می شود تا ارز داخلی ارزش خود را نسبت به دیگر ارز ها از دست بدهد.

حساب جاری

کل سرمایه ورودی جدید به کشور را نشان داده و به عنوان تراز تجاری (یعنی صادرات منهای واردات به علاوه پرداختهای خالص ورودی شامل بهره و سود سهام به علاوه تمام انتقالات یک جانبه شامل کمکهای خارجی و مالیاتها و هدایای یک طرفه) تلقی می شود. اگر عدد به دست آمده مثبت باشد، مازاد حساب جاری را و اگر منفی باشد کسری حساب جاری را نشان می دهد. توجه داشته باشید که کسری حساب جاری یعنی اینکه پول بیشتری به شکل صادرات و یا انتقالات دیگر نسبت به ورود آن به کشور، از کشور خارج شده است.

نیوزلند _ آمار مشترک اقتصادی

نرخ بهره رسمی

نرخ بهره رسمی نرخ بهره مبنای تنظیم شده توسط بانک مرکزی نیوزلند می باشد و مهمترین وسیله بانکی برای اعمال سیاست پولی می باشد. بانک مرکزی نیوزلند (RBNZ) وجهی را به موسسه های مالی در سیستم بانکی نیوزلند به صورت نرخ بهره رسمی قرض داده که روی نرخ بهره هایی که بانکهای تجاری از مشتریان مطالبه می کنند تاثیر می گذارد. بهره هایی را که RBNZ به خاطر سپردن وجوه نزد بانک به بانک می پردازد یک چهارم نرخ بهره رسمی OCR می باشد RBNZ. از نرخ بهره رسمی برای اداره کردن نرخ های تجاری استفاده می کند برای مثال اگر RBNZ بخواهد نرخ های وام را پایین بیاورد می تواند OCR را کاهش داده و وجوه بیشتری در دسترس بانکهایی که می توانند به مشتریان وام بدهند قرار دهد. با کاهش نرخ بهره برای وامهای کوتاه مدت موسسه های مالی می توانند نرخهای تجاری را کاهش داده و باز هم به سود برسند. البته RBNZ می تواند همین روش را برای افزایش نرخ بهره ها استفاده کند که این عامل شاید پاسخی باشد برای مخارج مصرف کننده افزایش یافته و ترسهای به وجود آمده به خاطر پدید آمدن فشارهای تورمی که تاثیر مخربی روی اقتصاد دارد. در این حالت بانک OCR را افزایش داده که این اتفاق باعث می شود تا هزینه وامهای کوتاه مدت برای موسسات مالی سنگین تر شود و نرخهای تجاری به منظور پوشش نرخ بهره رسمی جدید افزایش یابد. بانک مرکزی نیوزلند نرخهای بهره رسمی را به عنوان روش اصلی سیاست پولی خود در سال ۱۹۹۹ برگزید RBNZ. نرخ بهره رسمی را هشت بار در سال مورد بررسی قرار می دهد تا به این نتیجه می رسد که آیا نرخ بهره ثابت بماند یا نه. تغییرات نرخ OCR خارج از این تواریخ به ندرت اتفاق می افتد مگر در شرایط استثنایی که نمونه آن بعد از حمله یازدهم سپتامبر هنگامیکه RBNZ نرخ را تا ۵۰٪ پایین آورد اتفاق افتاد که این اتفاق خارج از تاریخ برنامه زمان بندی شده بوده و هدف آن تشویق مخارج در اقتصاد بود. نرخ ها از ماه مارس سال بعد از آن به تدریج افزایش پیدا کردند.

نرخ رسمی بین بانکی

نرخ بهره مطالبه شده برای وام های کوتاه مدت بین بانکی در سیستم بانکی نیوزلند می باشد. موسسات مالی نیوزلند که نیاز به وجوه کوتاه مدت دارند دو منبع جهت مراجعه برای دریافت وام در اختیارشان قرار داده شده است یکی بانک مرکزی نیوزلند (RBNZ) و دیگری دریافت وام به طور مستقیم از بانکها که در سیستم وام دهی بین بانکی شرکت کرده اند می باشد. وام های فراهم شده توسط RBNZ معادل با نرخ بهره رسمی OCR که توسط بانک مرکزی نیوزلند تنظیم شده است نیز مطالبه می گردد. در حالیکه وام های گرفته شده از طریق سیستم بین بانکی بر حسب نرخ بین بانکی رسمی مطالبه می گردد. به خاطر اینکه بانک مرکزی نرخ بهره رسمی را تنظیم می کند و منابع وسیعی دارد که از آن می تواند آنرا استخراج کند در نتیجه نرخ بهره رسمی نرخ مبنای کشور نیوزلند می باشد. به منظور آنکه بتوان به عنوان رقیب باقی ماند نرخ بین بانکی بایستی خیلی نزدیک به نرخ بهره رسمی باشد در غیر اینصورت بانکها تنها از

بانک مرکزی وام می گیرند. برعکس بانکهای وام دهنده اصولاً نرخ وام هایی که ارائه می دهند کمتر از بانک مرکزی نیست زیرا آنها می توانند به جای آن به بانک مرکزی وام داده و نرخ بهره رسمی که همیشه یک چهارم درصد زیر نرخ بهره رسمی می باشد را دریافت نمایند. اصولاً بانک مرکزی به منظور تأثیر روی دیگر نرخهای درون سیستم بانکی نیوزلند می تواند هر مقدار که لازم است هم وام داده و هم وام بگیرد. که این عامل باعث می شود تا بانک مرکزی بتواند نرخهای بهره را اداره نماید.

اوراق قرضه با درآمد ثابت

اوراق قرضه با درآمد ثابت (یعنی باندها) بازدهی و زمان سررسید مشخص شده ای دارند که می تواند روی منحنی بازده ترسیم گردد. شکل منحنی رابطه بین بازده موردانتظار به همراه زمان سررسید را مشخص می نماید. بازده این اوراق بر اساس مدت زمان اوراق (یعنی زمان سررسید) و اعتبار صادر کننده اوراق می باشد. به منظور جذب سرمایه گذار بیشتر صادرکنندگان اوراق غیر دولتی سود بیشتری را بایستی ارائه دهند زیرا این اوراق با ریسک بیشتری نسبت به اوراق دولتی همراه می باشند و سرمایه گذاران توقع حق بیمه در برابر قبول این اوراق با ریسک بیشتر را دارند. هر چه دوره این اوراق بیشتر باشد خطر از دست دادن ارزش آنها از لحاظ اختلاف نقدینگی بیشتر می شود. اصطلاح اسپرد به اختلاف بین بازده اوراق و نرخ های بهره کوتاه مدت بر می گردد. همانطور که نرخهای بهره بالا می رود بازده ثابت اوراق قرضه کم ارزش تر می شود چراکه نمی تواند خود را با افزایش نرخ بهره وفق داده و آن را جبران نماید که در نتیجه ارزش واقعی بازگشت سود کم می شود. اگر نرخهای بهره کوتاه مدت بالاتر از بازده قرار بگیرد سرمایه گذاران در واقع با یک اسپرد نقدینگی منفی مواجه می شوند.

منحنی بازده نرمال

اصطلاح منحنی بازده "نرمال" منحنی می باشد که به صورت مقعر به سمت بالا می باشد. این نشان دهنده افزایش بازده (محور طولی) بر حسب افزایش زمان سررسید (محور عرض ها) می باشد. این مطابق نظریه APT است که می گوید هرچقدر مدت سر رسید طولانی تر باشد، بازده افزایش می یابد. این رویکرد باعث تشویق سرمایه گذارانی که مایل به نگه داشتن پول خود در اوراق قرضه بلند مدت با وجود افزایش خطرانی که پیشتر گفته شد، می باشند.

منحنی مسطح

یک منحنی بازده مسطح وقتی بوجود می آید که اساساً بازده برای تمامی سر رسیده ها یکسان باشد. این نشان می دهد که سرمایه گذاران حاضر به پذیرش بازده روی ابزارهای بلند مدت هستند. این ابزارها شامل حق کارمزد بالاتری از بازده کوتاه مدت فعلی نمی باشند. سرمایه گذاران فقط در صورتی این را می پذیرند که احساس کنند که اقتصاد ظرفیت کمی برای رشد و احتمال کمی در افزایش نرخ بهره کوتاه مدت خواهد داشت.

منحنی بازده معکوس

منحنی بازده معکوس که دامنه آن شیب نزولی در طول زمان دارد نشان دهنده یک چشم انداز منفی برای بازار در آینده هست و می تواند بر شروع رکود اقتصادی طولانی مدت و یا بحران اقتصادی دلالت داشته باشد. منحنی بازده معکوس بدینی بیشتری را در دراز مدت نسبت به منحنی مسطح به همراه دارد -- تا آنجا که در واقع بازده اوراق قرضه دراز مدت کمتر از بازده کوتاه مدت (اسپرد نقدینگی منفی) قرار می گیرد. این امر بدین مفهوم است که سرمایه گذاران با اعتقاد به این که بازده به طور چشمگیری در مواجهه با بدتر شدن اقتصاد پایین می آید، مایل به سرمایه گذاری در نرخ جاری هستند.

منحنی خمیده

یک منحنی خمیده هنگامی رخ میدهد که هر دو بازده کوتاه و بلند مدت با هم برابر باشند، اما بازده میان مدت بالاتر باشد. این می تواند نشان دهنده این باشد که ممکن است اقتصاد وارد دوره ای از رشد شده باشد اما انتظار نمی رود این رشد برای دراز مدت پابرجا باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ارزش کل همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور بخصوص برای یک مدت زمان معین می باشد. هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت مالکیت شرکت های تولید کالا برای تولید کالا استفاده می شود - به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. افزایش در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می شود که نشان میدهد اقتصاد در حال رشد می باشد. این امر معمولاً منجر به افزایش تقاضا برای دلار می شود و می تواند به عنوان افزایش ارزش این ارز در بازار مشاهده شود. هنگامی که ارزش تولید کشور افزایش می یابد، آنگاه یک افزایش مشابه در نیروی کار و به احتمال زیاد به اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر منتج میشود. با این وجود یکسری کاستی ها در این فرض وجود دارد، چراکه کار داوطلبانه و همچنین کار انجام شده در اقتصاد زیر زمینی در محاسبات اصلی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شود. در این مورد، کار انجام شده "به صورت زیر میزی" یا تبادلات برای سایر کالاها و خدمات قسمتی از نتیجه تولید ناخالص داخلی نمی باشد.

تولید ناخالص داخلی واقعی در مقابل تولید ناخالص داخلی اسمی

هنگامی که ارزش کالا و خدمات در یک بازه زمانی با بازه زمانی دیگر مقایسه می شود، تغییرات در نرخ تورم می تواند به اختلاف بین نتایج چندگانه تولید ناخالص داخلی منجر شود. به منظور روشن شدن این مطلب که آیا تورم در آن لحاظ شده است یا نه، اقتصاددانان از واژه تولید ناخالص داخلی واقعی برای نشان دادن نتایج تولید ناخالص داخلی که بر اساس تورم تنظیم شده است استفاده می کنند. این مقداری می باشد که به بهترین وجه اقتصاددانان قادر می سازد که تعیین کنند که آیا اقتصاد در یک بازه زمانی افزایش داشته است یا کاهش. ارقام تولید ناخالص داخلی که با تورم تنظیم نشده اند، معمولاً به عنوان میزان تولید ناخالص داخلی اسمی یا تولید ناخالص داخلی دلار رایج شناخته می شوند.

شاخص استخدام

تغییرات در سطوح استخدام بین دوره های گزارش متوالی را اندازه گیری می کند. کاهش این شاخص به عنوان یک عامل منفی محسوب می شود زیرا فقدان شغل معمولاً توسط کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات ایجاد می شود. تاثیر واضح کاهش استخدام، کاهش هزینه های مصرف کننده می باشد چراکه مزایای بیکاری دستمزد کارگران را به طور کامل پوشش نمی دهد و بنابراین واکنش فوری خانوارهای آسیب دیده، کاهش در هزینه ها می باشد. به این موضوع این واقعیت را نیز اضافه کنید که کارگرانی که در حال حاضر شاغل هستند اما احساس آسیب پذیری نسبت به ادامه شغل خود دارند، به طور معمول هزینه های خود را به منظور افزایش پس انداز برای زمان از دست دادن شغل کاهش می دهند. این عمل هزینه های مصرف کننده را بیشتر کاهش می دهد و در واقع می تواند موجب تحریک در اخراج کارکنان شود.

تغییر شاخص استخدام

تغییرات میان دوره ای در نرخ استخدام را اندازه گیری می کند. افزایش بیکاری به عنوان یک شاخص منفی محسوب می گردد زیرا تقاضای افراد بیکار برای کالا و خدمات کاهش می یابد. تاثیر بارزافزایش جمعیت، کاهش مخارج مصرف کننده می باشد زیرا مساعدات افراد بیکار از دستمزد آنان زمانی که مشغول به کار بودن کمتر می باشد و کاهش در مخارج سریعترین پاسخ خانوارهای دچار شده می باشد. علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد.

نرخ بیکاری

تعداد افرادی که در سن کار هستند و تا زمان اعلام دوره گزارش استخدام نشده اند را نشان می دهد. همچنین در این بررسی سن، جنس، محل و مدت زمان بیکاری هم قید می گردد. افزایش بیکاری به عنوان یک شاخص منفی محسوب می گردد زیرا تقاضای افراد بیکار برای کالا و خدمات کاهش می یابد. تاثیر بارزافزایش جمعیت، کاهش مخارج مصرف کننده می باشد زیرا مساعدات افراد بیکار از دستمزد آنان زمانی که مشغول به کار بودن کمتر می باشد و کاهش در مخارج سریعترین پاسخ خانوارهای دچار شده می باشد. علاوه بر این کارگرانی که در حال حاضر مشغول به کار هستند اما در مورد باقی ماندن در سر کار خود مطمئن نیستند هزینه های مصرفی خود را به منظور بالا بردن پس اندازها کاهش داده تا اگر از کار برکنار شدند آمادگی لازم برای گذران زندگی را داشته باشند. این عمل بیشتر باعث کاهش میزان هزینه مصرف کننده شده و اخراج کارکنان توسط کارفرمایان نه به دلیل بی کفایتی بلکه به خاطر اینکه شرکت با مشکلات مالی همراه می باشد را افزایش می دهد.

خرده فروشی

گزارش خرده فروشی باز خوردی از کل ارزش کالاها و خدمات فروخته شده به طور مستقیم به مصرف کنندگان را ارائه می دهد. این یکی از اولین شاخص هایی است که هر ماه قابل دسترس بوده و رفتارهای مخارج را پیگیری می کند. افزایش در خرده فروشی به عنوان یک شاخص رشد در اقتصاد محسوب شده و تمایل دارد که از ارزش دلار استرالیا در بازارهای ارز حمایت کند. گزارش خرده فروشی شامل تفکیک فروش ها در بخش های مختلف بوده و هر ماه تولید می شود. روند رو به افزایش به عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی می باشد و نشان می دهد که تقاضای مشتری قوی باقی می ماند که این خود نشان دهنده آن است که مشتریان در مورد افزایش هزینه های خود راجع به خرده فروشی اطمینان داشته و بدون هیچ ریسکی قادرند نیازهای اولیه از قبیل غذا و پناهگاه را فراهم آورند. انتظار می رود که دلار بتواند با گزارش مثبت خرده فروشی ارزش خود را حفظ کرده و یا آنرا افزایش دهد. افزایش چشمگیر در مخارج خرده فروشی طی یک دوره کوتاه می تواند علامتی از توسعه اقتصادی بوده تا جایکه نگرانی هایی را بابت تورم به وجود آورد. برای مبارزه با آن دولت معمولا سیاست پولی سختگیرانه تری را با بالا بردن نرخهای بهره در پیش می گیرد که این کار باعث می شود تا هزینه های مربوط به قرض پول افزایش یافته و در نتیجه مخارج نیز تعدیل گردد. نرخ بهره های بالاتر یعنی برگشت های بالاتر توسط ارز داخلی، بنابراین سرمایه گذاران اغلب سهام خود را در ارزهایی با بهره های بالاتر افزایش می دهند و بدینوسیله تقاضا برای ارز دلار افزایش می یابد. علاوه بر تاثیر مشخصی که افزایش خرده فروشی ها می تواند روی اقتصاد داشته باشد این بخش در نیوزلند بیشترین نیروی کاری را شامل می گردد. نتایج قوی خرده فروشی نشان می دهد که نه تنها سطوح استخدامی جاری ساپورت شده بلکه شاید موقعیتهای جدیدی برای استخدام به وجود آید.

شاخص خرده فروشی اصلی

گزارش خرده فروشی باز خوردی از کل ارزش کالاها و خدمات فروخته شده به طور مستقیم به مصرف کنندگان را ارائه می دهد اما شامل گازولین (سوخت موتورهای بنزینی)، فروشهای جدید ماشین و تعمیرگاه اتومبیل نمی گردد. این یکی از اولین شاخص هایی است که هر ماه قابل دسترس بوده و رفتارها مخارج را پیگیری می کند. افزایش در خرده فروشی به عنوان یک شاخص رشد در اقتصاد محسوب شده و تمایل دارد که از ارزش دلار نیوزلند در بازارهای ارز حمایت کند. گزارش خرده فروشی شامل تفکیک فروش ها در بخش های مختلف بوده و هر ماه تولید می شود. روند رو به افزایش به عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی می باشد و نشان می دهد که تقاضای مشتری قوی باقی می ماند که این خود نشان دهنده آن است که مشتریان در مورد افزایش هزینه های خود راجع به خرده فروشی اطمینان داشته و بدون هیچ ریسکی قادرند نیازهای اولیه از قبیل غذا و پناهگاه را فراهم آورند. انتظار می رود که دلار بتواند با گزارش مثبت خرده فروشی ارزش خود را حفظ کرده و یا آنرا افزایش دهد. افزایش چشمگیر در مخارج خرده فروشی طی یک دوره کوتاه می تواند علامتی از توسعه اقتصادی بوده تا جاییکه نگرانی هایی را بابت تورم به وجود آورد. برای مبارزه با آن دولت معمولاً سیاست پولی سختگیرانه تری را با بالا بردن نرخهای بهره در پیش می گیرد که این کار باعث می شود تا هزینه های مربوط به قرض پول افزایش یافته و در نتیجه مخارج نیز تعدیل گردد. نرخ بهره های بالاتر یعنی برگشت های بالاتر توسط ارز داخلی، بنابراین سرمایه گذاران اغلب سهام خود را در ارزهایی با بهره های بالاتر افزایش می دهند و بدینوسیله تقاضا برای ارز دلار افزایش می یابد. علاوه بر تاثیر مشخصی که افزایش خرده فروشی ها می تواند روی اقتصاد داشته باشد این بخش در استرالیا بیشترین نیروی کاری را شامل می گردد. نتایج قوی خرده فروشی نشان می دهد که نه تنها سطوح استخدامی جاری ساپورت شده بلکه شاید موقعیتهای جدیدی برای استخدام به وجود آید.

شاخص بهای مصرف کننده

شاخص بهای مصرف کننده (CPI) به عنوان یکی از موثر ترین شاخص ها برای نشان دادن وضعیت تورم در اقتصاد می باشد. اگر اقتصاد در حال رشد باشد تورم اجتناب ناپذیر است، اما نرخ تورم بیش از ۲ درصد به طور کلی مخرب می باشد چراکه نشان دهنده تضعیف قدرت خرید دلار می باشد. هنگامی که تورم بالا باعث نگرانی می شود، سرمایه گذاران ارز را به منظور جستجوی سایر گزینه های سرمایه گذاری رها می کنند بنابراین باعث کاهش تقاضا برای ارزی می شوند. شاخص تورم مصرف کننده (CPI) یک تجزیه و تحلیل از سطح مخارج مصرف کننده برای خرید یک مجموعه از سبد کالاها و خدمات می باشد و بر اساس مقدار شاخص شروع از ۱۰۰ ارزیابی می شود. اگر شاخص تورم مصرف کننده برای دوره جاری ۱۱۲ باشد، نشان دهنده این است که در حال حاضر برای خرید سبد کالا ۱۲ درصد بیشتر از زمانی که شاخص ۱۰۰ بود باید پرداخت شود. با مقایسه داده های ماهانه شاخص تورم مصرف کننده، شما به آسانی می توانید تغییرات در قدرت خرید مصرف کننده از ماهی به ماه دیگر را تشخیص دهید.

شاخص اصلی بهای مصرف کننده

شاخص CPI اصلی هم به روش مشابه با CPI محاسبه می گردد به جز اینکه آیتم هایی با نوسان بالا از قبیل انرژی و غذا را شامل نمی گردد. زیرا اینگونه آیتم ها در مقابل نوسانات قیمتی آسیب پذیر هستند بنابراین می توانند باعث انحراف در محاسبه CPI گردند. برای همین شاخص CPI اصلی به عنوان شاخص دقیق تر برای تورم در نظر گرفته می شود. CPI تحلیل میزان مصرف کننده از هزینه انجام شده برای خرید یک سبد کالا و خدمات بوده که ارزش شاخص اولیه آن از ۱۰۰ حساب می شود. برای مثال وقتی CPI در حال حاضر ۱۱۲ می باشد بدان معناست که اکنون اگر بخواهیم سبد کالایی را که در گذشته CPI آن ۱۰۰ بوده است را بخریم باید ۱۲٪ بیشتر بپردازیم. با مقایسه ماهانه CPI شما می توانید به آسانی تغییرات قدرت خرید مصرف کننده را ماه به ماه ارزیابی کنید.

شاخص بهای تولید کننده

شاخص بهای تولیدکننده، تغییرات قیمتی که تولید کننده برای محصولاتش ماه به ماه دریافت می کند را اندازه گیری می کند. اطلاعات با بررسی هایی روی بخشهای مختلف از قبیل ساخت، کشاورزی، معدن، و سایر تسهیلات عمومی دوباره بازیافت می شود. مشابه با شاخص بهای مصرف کننده، شاخص بهای تولیدکننده شاخص قیمت جاری را با ارزش ۱۰۰ مقایسه میکند. این بدان معناست که ارزش PPI (شاخص قیمت تولیدکننده) اگر ۱۱۵ باشد در واقع ۱۵٪ بالاتر از پایه اصلی است. بر خلاف ارقام خرده فروشی، PPI شامل مالیات ها یا دیگر مبالغ توزیع و یا حمل که معمولاً هنگامیکه است که محصول از زنجیره تامین حمل می شود، نمی گردد. افزایش در شاخص PPI نشان دهنده یک اقتصاد در حال توسعه با اطمینان منطقی از ادامه استخدام برای کسانی که در حال حاضر در بخش تولید مشغول به کار هستند نیز می باشد. PPI یک شاخص مهم از سطوح تورم جاری در بازار محسوب شده که به دقت به آن توجه می گردد. شبیه به دیگر شاخصهایی که بر مبنای تورم می باشند، افزایش در ارزش PPI می تواند علامت افزایش در نرخ بهره به منظور مبارزه با تورم باشد. افزایش در نرخ بهره ممکن است باعث افزایش تقاضا برای ارز به عنوان یک عامل سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران شده که توقع بازگشت های بیشتر به دلیل بالا رفتن نرخ بهره را دارند. PPI اصلی شامل آیتم هایی با بی ثباتی بالا نمی شود این آیتمها از قبیل انرژی و غذا بوده که می توانند باعث انحراف در آمار PPI گردند چراکه ممکن است مثلاً دارای یک نوسان شدید در قیمتهای نفت شده و یا دیگر حوادث غیرقابل پیش بینی اتفاق بیفتد.

شاخص اصلی بهای تولید کننده

شاخص بهای تولیدکننده، تغییرات قیمتی که تولید کننده برای محصولاتش ماه به ماه دریافت می کند را اندازه گیری می کند. اطلاعات با بررسی هایی روی بخشهای مختلف از قبیل ساخت، کشاورزی، معدن، و سایر تسهیلات عمومی دوباره بازیافت می شود. مشابه با شاخص بهای مصرف کننده، شاخص بهای تولیدکننده شاخص قیمت جاری را با ارزش ۱۰۰ مقایسه میکند. این بدان معناست که ارزش PPI (شاخص قیمت تولیدکننده) اگر ۱۱۵ باشد در واقع ۱۵٪ بالاتر از پایه اصلی است. بر خلاف ارقام خرده فروشی، PPI شامل مالیات ها یا دیگر مبالغ توزیع و یا حمل که معمولاً هنگامیکه است که محصول از زنجیره تامین حمل می شود، نمی گردد. افزایش در شاخص PPI نشان دهنده یک اقتصاد در حال توسعه با اطمینان منطقی از ادامه استخدام برای کسانی که در حال حاضر در بخش تولید مشغول به کار هستند نیز می باشد. PPI یک شاخص مهم از سطوح تورم جاری در بازار محسوب شده که به دقت به آن توجه می گردد. شبیه به دیگر شاخصهایی که بر مبنای تورم می باشند، افزایش در ارزش PPI می تواند علامت افزایش در نرخ بهره به منظور مبارزه با تورم باشد. افزایش در نرخ بهره ممکن است باعث افزایش تقاضا برای ارز به عنوان یک عامل سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران شده که توقع بازگشت های بیشتر به دلیل بالا رفتن نرخ بهره را دارند. PPI اصلی شامل آیتم هایی با بی ثباتی بالا نمی شود این آیتمها از قبیل انرژی و غذا بوده که می توانند باعث انحراف در آمار PPI گردند چراکه ممکن است مثلاً دارای یک نوسان شدید در قیمتهای نفت شده و یا دیگر حوادث غیرقابل پیش بینی اتفاق بیفتد.

شاخص بهای کالا

شاخص بهای کالا اطلاعات در مورد ۱۷ قلم از کالاهایی که درصد بالایی از صادرات نیوزلند را تشکیل می دهند مورد بررسی قرار می دهد. این کالاها شامل کشاورزی، محصولات جنگلی و کالاهای ساخته شده می شود. شاخص بهای کالا هر ماه منتشر می گردد و بینشی را از قبل در مورد سطوح فروش ارائه می دهد. نیوزلند ۲۵٪ از محصولاتش را به کشورهای دیگر مخصوصاً منطقه ای که شامل استرالیا می شود صادر می کند. از آنجا که صادرات وابسته به میزان سطوح تولید می باشد در نتیجه هر گونه تغییر در شاخص بهای کالا در اقتصاد کل منعکس می گردد. به خاطر همین است که تحلیل گران توجه ویژه ای به این شاخص دارند. برای سرمایه گذاران بازار فارکس، افزایش در شاخص بهای کالا بایستی نشانی از افزایش تقاضا برای دلار نیوزلند باشد یا "KIWI" که معامله گران به آن مراجعه می نمایند. عموماً افزایش در شاخص بهای کالا همراه با افزایش تقاضا برای KIWI می باشد. هنگامیکه وارد کنندگان محصولات نیوزلند را وارد کشورشان می کنند، در نتیجه مجبور می شوند که دلار نیوزلند بیشتری را مطالبه نمایند که این خود باعث افزایش برای KIWI می گردد. برعکس

اگر شاخص پایین بیاید در نتیجه تقاضا برای دلار نیوزلند کاهش یافته و به دنبال آن نرخ ارز KIWI در مقابل ارزهای قوی تر دیگر با افت مواجه می شود.

حساب جاری

کل سرمایه ورودی جدید به کشور را نشان داده و به عنوان تراز تجاری (یعنی صادرات منهای واردات به علاوه پرداختهای خالص ورودی شامل بهره و سود سهام به علاوه تمام انتقالات یک جانبه شامل کمکهای خارجی و مالیاتها و هدایای یک طرفه) تلقی می شود. اگر عدد به دست آمده مثبت باشد، مازاد حساب جاری را و اگر منفی باشد کسری حساب جاری را نشان می دهد. توجه داشته باشید که کسری حساب جاری یعنی اینکه پول بیشتری به شکل صادرات و یا انتقالات دیگر نسبت به ورود آن به کشور، از کشور خارج شده است.

تراز تجاری

کل ارزش واردات و کل ارزش صادرات در یک دوره گزارش شده را با هم مقایسه می کند. ارزش منفی نشان می دهد که کالاها بیشتر وارد شده اند تا صادر (کسری تجاری). برعکس، یک تراز تجاری مثبت به معنای آن است که صادرات از واردات پیشی گرفته (مازاد تجاری). این گزارش توسط سرمایه گذاران ارز مورد استفاده قرار می گیرد که میزان تقاضا برای دلار را نشان می دهد. حالت مازاد تجاری یا کاهش کسری تجاری نسبت به ماه قبل به طور طبیعی نشان از آن دارد که کشورهای وارد کننده کالا بایستی ارزش خود را به صورت ارز داخلی کشور عرضه کننده کالا در آورند. و این باعث افزایش تقاضا برای ارز داخلی شده که در نتیجه باعث افزایش ارزش آن می گردد. در حالت کسری تجاری یا روند کاهش دهنده مازاد تجاری، کشور وارد کننده بایستی بیشتر ارزش خود را به ارز کشوری که از آنجا کالا خریداری می کند تبدیل کند. این عامل باعث افزایش عرضه ارز داخلی در بازار فارکس گشته که موجب می شود تا ارزش داخلی ارزش خود را نسبت به دیگر ارز ها از دست بدهد.